



پیکار کردستان

حق تعیین سرنوشت
حق مسلم خلقهاست

شماره پنجم پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان - تیرماه ۱۳۷۲ / ۱ / ۵۱

سرمقاله

ضرورت انتشار پیکار کردستان و سخنی با هواداران

با پرورش همه جانبه و سازمان یافته رژیم ضد خلقی و ارتکابهای سرکوبگرمانند ارتش، سپاه پاسداران، - واند اربری بکردستان در اوایل بهار اسفند مرحله دیگری از مبارزات مستمر و طولانی خلق کرد در جهت کسب خود مختاری آغاز شد. جنبش حق طلبانه خلق کرد در طی سالهای دراز چه بر علیه رژیم وابسته شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی، فراز و نشیبهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. این مبارزات در هر مرحلهای بسته به اوضاع و احوال و شرایط، بقیه در صفحه ۲

• اوضاع جامعه •

و خطوط کلی تحلیل مآز موقعیت و حرکت رژیم در کردستان جامعه ما همچنان آستان حوادث و وقایع نوین و پیش بینی نشده است. بعد از بیش از یک سال که از قیام ۲۲ بهمن و سرنگونی رژیم سلطنتی می گذرد، بحران سیاسی - اقتصادی که رژیم شاه را به سقوط کشانید، بقیه در صفحه ۲

• تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه •

حرکت قهقراپی سازمان چریکهای فدایی بسوی روز یونیسف و انعکاس آن در شاخه کردستان نئین در مقاله احزاب سیاسی در روسیه می گوید "تضمین جامعهای به احزاب سیاسی هنگامی با وضع تمام نمایان می شود که بهرانهای عمیق تمام بقیه در صفحه ۱۶

بیروزی پیشمرگان پیکار در "میرده"

پیکار د بگرد کردستان تبرستان مورد پرورش هیئت هاگه ضد خلقی قرار گرفت و نیروهای سرکوبگر آن بقیه در صفحه ۲۱

یادی از شهیدان

در صفحه ۲۰

مبارزه دهقانان سلیمان گندی

جلوه ای از پیکار طبقاتی در روستاهای کردستان باقیام بود معاد بهمن ماه ۵۷ رژیم شاهناتن سرنگون شد، روستائیان کردستان همراهمایر زحمتکشان ایران نگر میکردند که بعد از این بیروزی بقیه در صفحه ۲۱

لوحه افتخار شهیدان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (در کردستان)

- ★ عبدالکریم شریفی شهادت ۱۶ اردیبهشت ★ حسن (امیر) فقیر شهادت ۱۷ خرداد
- ★ نجم الدین شیخی شهادت ۱۶ اردیبهشت ★ معهود ستایش شهادت ۱۲ خرداد
- ★ لیلی مرادی شهادت اواسط خرداد ★ عطاء طاطاشی شهادت ۲۰ خرداد

پرفراز باد خود مختاری خلقها در چهار جوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

سرفشاله ۰۰۰

اشکال ویژه ای بخود گرفتند است
 گاه در شهرها به شکل انصباب و تظاهرات ویا جنگ
 مقاومت بوده و گاه در روستاها به شکل یارتیزای تجلی
 یافته است اما آنچه که در تمامی این مراحل بطور
 مشخص به چشم می خورد ، تداوم این مبارزات و اوج یا
 بندگی آن می باشد. بخصوص ماههای قبل از قیام
 خونین ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ ، و بعد از حاکمیت
 رژیم جمهوری اسلامی ، جنبش مقاومت خلق کرد از شکو
 قانی ویژه ای برخوردار گردیده است . در طی این مدت
 خلق کرد با کسب آگاهی نسبی از ماهیت ضد خلقی
 هیئت حاکمه ، قدرت پیشبرگه هایش - این نیروهای مسلح
 خلقی - توانسته است به نهای شهید ای بسیار دید -
 ربهها و ویرانیهای فراوان راه خود را در مبارزاتش ادامه
 دهد . امروزه آن وظیفه محوری و صد و یک در پیستش
 پای نیروهای کمونیستی جنبش مقاومت خلق کرد قرار داده
 ادامه این راه و تعمیق و گسترش هر چه بیشتر این جنبش
 و پیوند زدن آن با جنبش سراسری کارگران ، دهقانان
 و دیگر خلفهای قهرمان ایران و تأمین رهبری طبقه
 کارگر بر این جنبش است تا این مهم ، از طریق شناخت در
 چه بیشتر ویژگی اصلی جنبش در هر مرحله و یا سنجش
 انقلابی به آنست. در لایق از ویژگیهای مهم و محالست
 توجه جنبش مقاومت خلق کرد در بعد از قیام اینست
 که افشار و طبقات شرکت کنند در آن ، هر کدام به
 تناسب ماهیت طبقاتی و ماهیت ضد انقلابی رژیم حاکم
 مابازایی در نیروهای جنبش را دارا می باشند . باین
 معنی که نیروهای جنبش طبقی را تشکیل می دهند که
 هر کدام نماینده سیاسی - ایدئولوژیک افشار و طبقات
 گوناگون می باشند . در مرحله جوش سال قبل رژیم به
 کردستان ، این نیروها همگی در برابر این تهاجم
 به جنگ مقاومت دست زدند و لذا توانستند رژیم را وادار
 به شکست عقب نشینی و مذاکره نمایند .

اما ویژگی مرحله فعلی و در نتیجه حاسم بودن این
 مرحله در اینست که بطور مشخص دو خط ، دو جریان
 در نیروهای شرکت کنند ، در جنبش دیده می شود . خط
با جریان مقاومت و خط با جریان سازش
 از قیام بهمن ماه به بعد در جریان پیشرفت جنبش مقاومت
 کارگران شهر و روستاها دهقانان فقیر و انتشار یائینی خرمه
 جو و زوای شهری که در مراحل اولیه این جنبش درک و
 تصویری کلی و مبهم از امر خود مختاری داشتند بشدرج
 در جریان مبارزات روز به ما نشان به آگاهیشان
 افزوده گشته و قادر می شوند که بین
 خواستهای خود و دیگر انتشار و طبقات
 تفاوت قائل بشوند و بطور نسبی به این آگاهی برسند
 که درک آنها از خود مختاری با درک افشار و طبقات
 نابگیر و مترنزل و سازشکار متفاوت است. لذا در بین نیرو
 های جنبش مقاومت از آن نیرویی حمایت می کنند و آن
 نیرویی را مورد تائید قرار میدهند که سیاست برناه و
 تاکتیکهایش مطابق خواستهای آنها باشد . مقابل
افشار و طبقات مترنزل و نابگیر و سازشکار بتدریج به
علت ماهیت طبقاتیشان در جریان اوج گیری جنبش
ماهیت سازشکار ایشان را بیش از پیش آشکار می سازند
 همچنین در جریان اوج گیری و اغتلا مبارزات طبقاتی
 در کل جامعه ایران و عملکردهای رژیم ارتجاعی حاکم
 در مقابل این مبارزات در سراسر ایران زحمتکش کرد با این
 آگاهی می رسند که این رژیم دشمن زحمتکشان است ، در
 حالیکه سازشکاران به ترسو هراس از این جنبش بودهای
 می افتند و در اینجاست که بدلیل مجموعه این عوامل
 در این مرحله ، جریان فکندی نیروها در جنبش مقاومت
 خلق کرد شکل آشکار ، مشخصتری به خود می گیرد . در
 یکطرف تصمیم به مقاومت و در طرف دیگر تصمیم به
 سازش

خط مقاومت معتقد است که این رژیم تن
 به آتش بسوزد مگر نخواهد داد مگر
 اینکه قدرت مبارزات توده ها و نیروی پیشبرگه
 راه نشان فعالانه در جنبش مقاومت شرکت کردند .

در این نوشته ما قصد اثرا نداریم این مسئله را بررسی
 کنیم که چرا بعضی از این نیروها بطریق ماهیت سازشکار
 راه نشان فعالانه در جنبش مقاومت شرکت کردند .

همانگونه که تجارب تاریخی مبارزات خلق کرد نشان داده است - بعد از شکستهای نظامی و سیاسی جمهوری پیکار گردد ، در مقابل خط سازش بدون توجه به این تجارب که دست آورد و خونهای شهیدای - بسیاری می باشد ، مطرح می سازد که بایستی با این رژیم که "ضد امپریالیست" است آشتی نمود ، بدون اینکه قید و شرطی در کار باشد .

خط مقاومت اعتقاد دارد که مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه طبقاتی جاری در جامعه جدا نبوده و مبارزه بر علیه امپریالیسم و ویژه امپریالیسم آمریکا از مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی جدا نمی باشد . در مقابل خط سازش آب تظہیر بر سر رژیم فعلی ریخته و صرفاً "وحدت عمل ملی" را در مقابل امپریالیسم آمریکا طرح می کند و با این تردد حقیقت آشتی و سازش طبقاتی را تبلیغ می کند .

خط مقاومت با اتکا به نیروی بی زوال توده های زحمت کش خلق کرد ، می خواهد صلحی را به رژیم تحمیل کند که مطابق خواست توده ها باشد . اما خط سازش به تبعیت از تبلیغات و لجن پراکنجیهای رژیم و حزب توده خائن ، نیروهای انقلابی را وابسته به بیگانه بحررقی نموده و با قرار دادن این نیروها در کنار عوامل سر - سیرده رژیم شاه خائن و حکومت ناسیستی ضد خلقی بعث عراق ، عمال مزد بین انقلابی و ضد انقلابی را از بین برده و می خواهد از این طریق صلحی را بوجود بیاورد که مطابق خواست رژیم و خودشان باشد . اینهاست بطور برجسته خصومیات دو خط مقاومت و سازش .

امروزه آنچه که خطر عمده در جنبش مقاومت خلق کرد می باشد ، همین سمت گیری سرچو آشکار نیروهای سازشکار بسمت سازش و مصالحه قرار دادن جانها - زینها و فد اکاویهای خلق کرد است . لذا تقویت هر چه بیشتر خط مقاومت از طریق پیوند گسترده تر با توده های بیوزره زحمتگشان شهر و روستا ، و افشا و منفرد نمودن

خط سازشها افشای ترلزلات و سازشکارهای آن ، نیست آن وظیفه محوری که امروز در برابر نیروهای

راستین جلوه مقاومت خلق کرد قرار دارد .

امروزه ما مادرك ضرورت فوق و دوك این ضرورت که بایستی نقطه نظرانمان را به شکل مدون و سازمان یافته ای در سطح جنبش مقاومت خلق کرد بطور وسیع تبلیغ و ترویج نماییم ، دست به انتشار این نشانی - رژیم و در اینجا بطور مشخص روی سخنمان با هواداران سازمان است که در گوشه و کنار کردستان - در شهر و روستا - در پیوند مبارزاتی با خلق کرد می باشند . رفقای هوادار در این مرحله وظیفه دارند که در خط موجود در جنبش مقاومت خلق کرد را برای توده ها توضیح دهند ، و عمالانه نظراتی را که در این نشریه پیدا دیگر انتشارات سازمانی ، در این زمینه منتشر می گردد بیان توده ها برده و آنها را در جهت مقاومت هر چه بیشتر متشکل نموده و سازماندهی نمایند .



اوضاع جامعه

همچنان ادامه داشته و در مواردی تشدید نیز شده است . سیستم سرمایه داری وابسته که علیرغم تغییر نظام سیاسی جامعه همچنان باقی است ، آنچنان دچار بحران و آشفتگی است که وارث آن یعنی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی را علیرغم همه کوششهایش برای مهار کردن آن ، هر چه بیشتر با خود بسوی ورطه تلاش و نابودی می کشاند . توهم که در دوران - رژیم شاه ۲۵ تا ۳۰ درصد بود اکنون به میزان - وحشتناک ۵۰ درصد رسیده است . تفلور این توهم و بحران شدید اقتصادی را در گرانی بیش از اند - از و کمبود یا نایابی بسیاری از اقلام بحرض ضروری مردم و ناتوانی رژیم در سامانعت از رشد نرخ آنها - مراجعه کنید به "تذکر" در آخر همین مقاله!

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

می توان مشاهده نمود . انعکاس این وضعیت در میان توده مردم و بویژه زحمتکشان چیزی جز تشدید ناراضی آنها و گسترش حرکات اعتراضی و مطالبات آنها نیست این حرکات اعتراضی و مطالبات هر چند از همان فردای قیام وجود داشت ، لیکن تشدید بحران و در نتیجه حدت تضاد ، بقدری است که هر آن امکان انبجاریهای کوچک و بزرگ - اعتراضی در میان زحمتکشان که بار اصلی بحران و توهم را به دوش کشند وجود دارد .

رزم جمهوری اسلامی همانطور که تا کنون شاهد بودیم ، و بنا بر ماهیت بورژوازی خویش نشین قادر نیست زمینها و عمل این بحران و در نتیجه خود بحران را از بین ببرد ، بلکه حتی قادر به تخفیف آنهم نیست (۱) .

در این اوضاع هیئت حاکمه به دلیل ماهیت بورژوازی خویش اجبارا راهی جز حذف سیستم سرمایه داری و بسته ندارد . بمباران دیگر بورژوازی و خرد بورژوازی (۲) اثر حاصل تضاد فوقها جز بوده و این تضاد به جای خویش باقی می ماند .

اما مسئله به اینجا ختم نمی شود ، رژیم حاکم توان و موقعیت تخفیف مرحله ای و مقطعی این تضاد را نیز ندارد علل این عدم توان را با - بستن در عدم داشتن هرگونه برنامه مشخص رفرمیستی ، گسترش و سطح بالای جنین توده ای و مطالبات آنها ، عدم پشتوانه لازم از سوی امپریالیستها (۳) و با لایحه شدت و حدت بحران که رژیم با آن روبروست جستجو نمود .

بعلاوه تضاد های دورنی هیئت حاکمه و حود کتجنجا حجابی آن که امکان وحدت عمل کامل و حرکت متمرکزا از رژیم سلب میکند ، خود عاملی است در تشدید بحران و در مواردی مانند من زدن بیشتر به آن - نمونه این فاکتور اخیرا میتوان اشغال سفارت آمریکا دانست ؛ حرکتی که در

عین در برداشتن نتایج مثبت برای هیئت حاکمه در کوتاه مدت (تشدید توهم توده ها و تساهل و دی ما تحت اثر شکسته شدن آن) نتایج نا - گوار و منفی بسیاری در تثبیت موقعیت رژیم جمهوری اسلامی در متوسط و دراز مدت باقی میگذارد . بدون اینکه بخواهیم وارد بحث مفصل این نکته شویم ، فقط یاد آور میشویم که امروزه محاصره محدود اقتصادی از طرفه امپریالیستها و فشارهای دیگری که آنها بر رژیم وارد می کنند ، اثر مستقیم و تشدید کننده در بحران سیاسی - اقتصادی رژیم با آن روبروست دارند .

زیرا سیستم وابسته اقتصادی جامعه در شرایط قطع یا بوجود آمدن اشکال در ضایع نمذ به خویش بدون اینکه تکیه گاه مستقل یا مستحکم دیگری پیدا کند دچار تلاطمات و وقفه های شدید و پایداری کننده - ای میگردد .

در این اوضاع رژیم با حرکت گسترش یافته و سریع مبارزاتی توده ها و ورشد آگاهان آنها روبروست . این حرکت که نتیجه پلان فصل شکسته شدن توهم توده ها نسبت به رژیم در نتیجه تجربه مستقیم خود آنها و روبروشدنشان با حقایق و افشاگری های نیرو های انقلابی است ، خود بر زمینه مادی بحران سیاسی اقتصادی فوق قرار دارد . در مقابل این حرکت رژیم ناتوان از حل بحران و جوابگو بی به خواسته های توده ها - ها چاره ای جز سرکوب حرکت آنها ندارد . البته او میگوید شده و سایر پلان مختلف با مشغول داشتن ذهن توده ها به مسائل غیر اقمسی و انحرافی توسط برنامه های تبلیغاتی گوناگون و با وعده و وعید های توخالی ، توهم توده ها را نسبت به خود حفظ کند . لیکن تجربه روزمره خود توده ها و همچنین نقش آگاهی دهندگانه نیرو های انقلابی بویژه کمونیستها فاکتورهای هستند که سرعت حرکات توهم زای رژیم را خنثی

کرده و آنرا مجبور به استفاده از ابزار سرکوب مستقیم می سازد. از آنجایی که سرگت آگلد هرگزانه نیروهای انقلابی نه تنها نقش نایب کننده عجز به مستقیم توده ها در ذهن آنها، بلکه نقشبندیته ساز و مستقیم توهم زدایی آنها را بازی میکند، رژیم برای حفظ توهم توده ها و در نتیجه حفظ موقعیت خویش، خود را قبل از همه مواجه با نیروهای آگاه و انقلابی و پیشروترین و سازش ناپذیرترین آنها یعنی کمونیستهای بیاد شدت با این تبلیغات و حرکات ارتجاعی علیه نیروهای انقلابی و بهیچوجه کمونیستهای ارتجاعی تبلیغاتی و سخنرانی های سردمداران رژیم بیان روشن این امر است. امروز رژیم از هر وسیله و موقعیتی استفاده میکند تا نیروهای انقلابی و کمونیست را مورد حمله قرار دهد و آنها را در چشم توده ها از اعتبار بیا نندازد.

در چنین موقعیتی و با توجه به تمام مسائل مطروحه در سطح فوق، رژیم نمی تواند در کردستان شانه همت حاکمیت خویش را از آن با نالا ترشند روز افزون نیروهای کمونیست با شد این اوضاع در کردستان نه تنها باعث ارتضا آگاهی و تشکل توده های وسیع مردم گردد و تشخیص دشمنان واقعی شان توسط آنها و در نتیجه جهتها می پیشاز پیشبردست مبارزات میگردید بلکه کردستان بصورت سنگر مستحکم و در استواری برای نیروهای انقلابی چپ، سبیل و نویسه برجسته مبارزه واقعی توده ها در جهت پسر آوردن خواستها پشان پیشرفتده انقلاب است که تا تمام باقی مانده است. وجود چنین با پیکار و انگیزش برای نیروهای انقلابی و توده های بیدار شونده خطر خطری برای هیئت حل کمونیست محکمی در برابر تثبیت رژیم است که در زمان خود را سرکوب انقلابی و با زس سازی سیستم سرمایه داری وابسته قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی در روند تکمیل ارگانهای قانونی و تثبیت موقعیت خویش که همراه و موازی با سرکوب نهاد های انقلابی و توده ای و با زس سازی ارگانهای سرکوب گرو ارتجاعی پیشرفته و حیرت (یا پاپش برود) نمی توانست کردستان انقلابی را تحمل کند، بهیچوجه اینکه کردستان بصورت عمده ترین و پیشرفته ترین با پیکار نیروهای چپ و اصولا انقلاب همچنان یا برجا مانده است. اینست که سرکوب جنبش مقاومت در کردستان به عمده ترین مسئله سرگزی رژیم تبدیل گردیده است.

موقعیت هیئت حاکمه جنبش مقاومت خلق کرد

رژیم جمهوری اسلامی تا کنون توانسته است تشکلات توده ای انقلابی و مبارز در نقاطی که این تشکلات عمدتاً از قلم پاک گرفته بودند (خوزستان، ترکمن صحرا) درهم شکسته یا ضریبات همس بر آنها وارد سازد، در ظاهر آنها را خا میوش کند و به اصطلاح خیال خود را بطور نسبی از آنها راحت سازد. تنها جایی که بصورت خاری در چشم هیئت حاکمه فرو میبود و او را شاد بیدای می آزارد، جنبش مقاومت خلق کرد و عدم توان رژیم در برقراری حاکمیت نسبی خود در کردستان است. به همین دلیل در آستانه تشکیل مجلس شورای و در نتیجه کامل شدن ارگانهای قانونی رژیم جمهوری اسلامی، هیئت حاکمه با استفاده از جریانات موجود آمده میان ایران و عراق (که با هدف همین خود به آن دامن میزند) و دخالت نظامی آمریکا، پیکار در ایران برای نجات گروگانها و ادان بن زدن بلکه کارزار تبلیغاتی در راه بطعنا این درگیری و اثر این طریق منحرف کردن ذهن توده ها و توجه اصالت خویش در میان آنها، برنامه سرکوب کردستان

را که از مدتها پیش در دستور کار خود قرار داده بود و برای آن تدارک میدید به اجرا گذاشت. آنچه مسلم است و مواضع جناحهای مختلف هیئت حاکمه از خمینی گرفته تا بنی صدر و فرماندهان مزدور ارتش به روشی آشنا نشان داده و میدهند اینست که برنامه سرکوب کردن ستان و به اصلاح یکسر کردن کار آن مورد توافق همه این جناحها قرار داده شده و آنها هم میگویند در هماهنگی پایکد یگر عمل کنند. این موضع گانه که بویژه با شروع حمله به سنجند و سفارت من گریه در روزهای اخیر هما نظر که از صحبت های خمینی در ملاقات با سرهنگ مندوی و آیت الله منتظری در کنگو با راد یوو همچنین سخنان بنی صدر در تیریز بر سر می آید کاملاً آشکار و هویده است. خمینی بشدت از ارتش و پادگانان در سرکوب "کفار" و "کسر" - گفتن سنجند تحمید می کند و از آنها می خواهد به حرکت و پیشروی این جهت ادامه دهند و برای تا کید بیمتر هوا همان اجرای اطاعت بدون مین و تیر و شورش و از طرف سربازان و رده های پایین میگویند آیت الله منتظری هرگونه مداخله مردم در استان و این هوا همان ادامه تا به آخر استوار می شود. بنی صدر جز در صحبت ها بیشتر در روزهای اخیر در دیدارها همین مواضع را تکرار کرده اند که می بینیم آنچه در حال حاضر در سرکوب رژیم قرار گرفته است برنامه همه جناحهاست و همه جناحها برای آن اتفاق نظر دارند.

اما تا به گاههای رژیم و جناحهای آن در ادامه این حرکت چیست؟

با توجه به تکانی که در موق گشتم و با توجه به انجام دینی ارتش و بهتر بودن موقعیت آن نسبت به سایر ارتشها باید بگویم رژیم برنامه حداقل جز -

دشمن را تسخیر شهرها و برقراری حاکمیت خویش در آنها قرار داده است. بعد از تسخیر سنجند بر پناهش این خواهد بود که قدم به قدم شهرهای مختلف را به تصرف خود در آورد. اما رژیم میدانند که اولاً در کردستان پایگاه مردمی ندارد و ثانیاً در صورت اشغال شهرها هنوز نتوانسته است حتی مقاومت را سرکوب کند و روستاها پایگاه نیروهای سیاسی و در قیض آنها است و این بدین معنی است که تسخیر شهرها همچون سایر پیشین تو - ندستله را حل کند و او را در شهید رانان نخواهد بود. بنا بر این صرف استقرار در شهرها به "فرضیه کردستان" خاتمه نمیده د. در نتیجه بنا تجربه سال گذشته رژیم خواهد کوشید اولاً - برای خود دو میان مردم کردستان پایگاه مردمی دست و پا کند یا حداقل بدینی مردم کرد را - نسبت بخود از بین برده یا کاهش دهد. بر این مبنای نه انجام رژیم (که در توانش نیست) بلکه خرج میسالیخ متفکمی پول را در کردستان در دستور کار خود قرار داده است. تصویب ۲۰ میلیارد ریال از طرف سازمان برنامه و منابع دیگری در روزهای بعد در همین رابطه است. تا نینها برای برقراری حاکمیت خویش در روستاها برنامه سرکوب را به روستائیز خواهند کشا و تا اینبار به اصطلاح کار را یکسره کند.

در مورد آنچه مربوط به تسخیر شهرها میشود رژیم در یک صورت نخواهد توانست برنامه خویش را بطور کامل به اجرا در آورد. در کردستان وضع چند روز آینده ضربات مهمی بخورد مثلا با دکان با نه و میوان سقوط کنند و به دنبال آن با مقاومت مهمی در دیگر شهرها روبرو شود. آرد و دستگیر نقاط ایران موجی از جریانات اعتراضی نسبت به اوضاع کردستان (تظاهرات و تحصن های

مرگ برامبرالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

توده‌های و اعتراضات جمعی یا انفرادی از صمصرف نیروها و شخصیتها و افشاگرهای گسترده (۱) و مبارزات توده‌های برادریاوند و سرکوب و وحشیگری رژیم در کردستان در خطم گسترده در جامعه مطرح گردید و در این میان حرکات اعتراضات و رضایتی‌ها درون ارتش در رابطه با سرکوب و کشتار خلق کرد نیز از اهمیت خاص برخوردار است ۲- در جناح جناح از کشور بر محدود خود این جریان تقویر شود و در غیر این صورت رژیم قادر خواهد بود با توجه به تمرکز قوا و به خدمت گرفتن نیروی عظیم نظامی خویش در کردستان شهوها را به تصرف خود درآورد. البته همینجا باید گفت که با توجه به صفت همبستگی نیروهای جسمی و انحرافات و تزلزلات نیروهای انقلابی که تاکنون در عدم انعکاس گسترده مسائل کردستان از طرف آنها به چشم می‌خورد و با در نظر گرفتن اینکه به وجود آوردن سه فاکتور فوق بحثی تأمل بر حرکت نیروهای آگاه و انقلابی دارد. احتمال بروز آمدن آن سه فاکتور در کوتاه مدت بسیار ضعیف و احتمال موفقیت رژیم در تصرف بیشتر مناطق زیاد است و به احتمال قوی چنین خواهد شد. اما در مورد ادامه برنامه رژیم با توجه به موقعیت نیروهای سیاسی عمده کردستان، با رستی قبلاً دیدگاههای جناحهای هیئت حاکم را در این مورد مورد بررسی قرار دهیم.

راجع به آنچه سیاست جناح خودم بورژوازی هیئت حاکمه مربوط میشود، باید گفت که این جناح بعد از دگرگونی عقب مانده‌گی فکری از دیواندیشی و ترغیب‌های بورژوازی برای حفظ سیستم و موقعیت خود - پیشرویی نبرد و سیاست ارتجاعی کوری در رابطه با سایرین مختلف در دستور کارش قرار دارد. در رابطه با کردستان نیز همواره و امروز بطور مشخص با همین سیاست به میدان آمده است. مسئله آن در هم کسوف بودن و نابودی جنبش مقاومت به هر وسیله بدون

ملاحظات سیاستمداران بورژوازی و بکارگرفتن تاکتیک‌های متفاوت در هر شرایط مشخص است و اگر هم مواقعی بعضی حرکات سیاستمداران بورژوازی از خود نشان داده است بیشتر تحت تأثیر مشورت و نوازش نوجوه‌های عناصر بورژوازی بوده است. امروز در مورد کردستان نیز برای آن بکارگرفتن تاکتیک‌های مختلف و مراحل گوناگون و توجه به اختلاف ماهیت نیروها مختلف در کردستان و اتخاذ تاکتیک‌های لازم در این ارتباط مطرح نیست و در نظر آن همه ایسین نیروها شیطانهای کوچک هستند، هیچ ترفنی با هم ندارند و باید نابود شوند، بر این مبنا فعلاً برای این جناح هرگونه مذاکره و مصالحه تاکنون حق با جنبش از نیروهای سیاسی کردستان مردود است. جنبشهای منتظری، خمینی و عناصر دیگری از این جناح باید این حکم است.

لیکن برای بورژوازی، لیبرال و بطور مشخص بنی صدر مسئله اینطور نیست. این جناح با دور اندیشی بورژوازی خود به اتخاذ عریض "امپریالیزم" متوجه اختلاف میان نیروها در دستار مختلف است. اتحاد تاکتیک منطبق با شرایط است و میدان در میدان جنگ با استی "سیاست" بکار برده میشود تا تاکنون نشان داده است که برای حفظ جمهوری اسلامی و تحکیم موقعیت خویش قصد دارد سیاست "جناح و نشان" نیرویی و متمایز ساختن نیروهای مخالف در استان ده از شکاف میان آنها را به اجرا درآورد (۱۰) البته بنی صدر تاکنون نتوانسته است این سیاست را آنطور که دلخواهش است پیاده سازد، ولی بعضی موفقیتها کوچک (مذاکره چندین باره با رجوی و شرکت دادن او در "کمیته انقلاب فرهنگی"، جریان مناظره تلویزیونی با فدائیان و اعلام قبول طرح امام‌های حوزیه مذکرات با اصلاحات و کشتادن حزب بدنهال خود) او را به اجبار این سیاست ترفیبه نموده است. با این سیاست حرکت بنی صدر در رابطه با اوضاع کردستان با سیاست جناح خود

بورژوازی دارای اختلافاتی است. این تفاوتها را میتوان در سخنان بنی صدر در تبریز مشاهده نمود. بنی صدر در حالیکه همان حملات شدید جناح پیگیر را علیه خلق کرد و نیروهای سیاسی آن تکرار میکند و جنگ در کردستان را جنگ میان اسلام و کفر" مینامد و خواهان "پاک شدن کردستان از وجود فاسدان" و "برقراری حاکمیت جمهوری اسلامی" میشود و میگوید "نه تسلیم میشوم و نه عقب میروم"، اما همچنان به آنهایی که خود را صالح میدانند اظهار میکند "در این جمهوری امکان آزادی بهمان دارند و من نتواند در بحثهای آزاد شرکت کنند" و "دستی که اسلحه را بر زمین بگذارد و بسوی برادری روند بگرس نشوده خواهد شد" به این ترتیب بنی صدر در - حالیکه "جماق" را با یک دست به هوا میبرد، با دست دیگر "شیرینی" را به رخ میکشد.

این سیاست در برنامه و حرکت جناح بو -

رژوازی چگونه شبیه خواهد شد. آنچه از سیاست بنی صدر و گفته های او برمی آید اینست که رژیم بعد از تصرف شهرها و بدست گرفتن پستک موضع قدرت، برای حفظ موقعیت خویش به دو حرکت بلافاصله دست خواهد زد. اولاً "دلجویری" از مردم خواهد پرداخت و خنجر خواهد کوشید با خروج میلیونی چند مردم را بسوی خود جلب کند و آنها را به خود امیدوار کند و ثانیاً برای بدست آوردن فرصت و تحکیم موقعیت خویش - سیاست مذاکره و راه حل سیاسی را با نیروهای ما ملح "حزب دمکرات و ۱۰۰" را پیش خواهد کشید. اما نه برای سازش و ندادن امتیاز به آن (قبول طرح ۶ ماده ای) بلکه برای وقت گذرانی و باز کردن شکاف میان نیروها و به این وسیله ضمن تحکیم نسبی خویش در شهرها زمینه سازی و تدارک برای پوشش میدی به نیروها

(و در درجه اول جناح چپ آن) در روستاها و به اصطلاح قلع و قمع نهایی آنها.

ایا چقدر رژیم در این برنامه خود میتواند با موفقیت روبرو شود. قبل از صحبت در این باره لازم است مختصراً به این مسئله که آیا سازش با حزب دمکرات و قبول خواسته های آن در برنامه رژیم قرار دارد یا نه اشاره ای بکنیم. در این مورد باید گفت چنین امری در دستور کار رژیم قرار ندارد و هدف آن تنها استفاده از حزب دمکرات برای رسیدن به برنامه اصلی اش که همانا سرکوب کامل جنبش مقاومت و برقراری حاکمیت کامل اش در کردستان است می باشد. چرا؟ به این دلیل که رژیم ما هیتا نمی تواند حتی طرح ۶ ماده ای حزب را مورد قبول قرار دهد. ما هیت و مسوولیت رژیم و حرکت آن تا کون در رابطه با مسئله خلقها و مشخصاً خلق کرد نشان داده است که حد اکثر چیزی که رژیم به آن تن میدهد طرح خود گزینی است و حتی این طرح به دلیل تفکر خاص و عقیده آن (۶) مورد قبول جناح خرده بورژوازی نیست. بنا بر این حرکت رژیم در رابطه با حزب دمکرات تنها استفاده از سازشکاری آن برای تسهیل حرکت اصلی و هدف نهایی اش یعنی ایجاد شکاف میان نیروها و سرکوب و نابودی آنها است. این برنامه ایست که برنامه بورژوازی لیبرال و مصارع آن بنی صدر است و جزئی از سیاست او را تشکیل میدهد.

ادامه حرکت رژیم

همانطور که گفتیم، رژیم میدانند که با صرف شهرها نمیتوانند به جنبش مقاومت در کردستان خاتمه دهد. در نتیجه با توجه به برنامه اش که یکسره کردن "قضية کردستان" است، حمله به روستا در جهت نابودی جنبش مقاومت بطور اخص -

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

و برقراری حاکمیت خود در کردستان بطور اتم در دستور کار و برنامه اش قرار دارد . آنچه مسلم است برای ارتش حمله به روستا ها و جنگ در بینه آنها به همان سبب نیست که در بینه شهر ها . در روستا و کوهستان جنگ شکل بازتیرانی گرفته و به همین علت نیروی پیشمرگه از موضع برتر برخوردار است . علاوه بر عدم آشنائی و آمادگی کافی نیروهای ارتش و پاسدار و برعکس شناخت و آمادگی نیروی پیشمرگه در جنگهای بازتیرانی در کوهستان و روستا و همچنین پشتیبانی روستائیان از نیروی پیشمرگه همه عواملی هستند که نیروهای سرکوبگر رژیم را در موفقیت ضعیفتر قرار میدهند و آنها را با مشکلات جدی مواجه میسازند . برآنگذگی روستاها در سطح وسیع نیز عامل دیگری است که به زیان نیروهای دولت کسار میکند .

با توجه به اوضاع فوق رژیم در حمله به روستا بطور عمد بر نیروی هوایی خود تکیه خواهد نمود . به این ترتیب که با هلی کوپتر و هواپیما با نگاه و مقر های پیشمرگان را در روستا و کوهستان مورد حمله قرار میدهد و بیماران میکند یا به راکت مسمی بندد . برای این امر رژیم احتیاج دارد تا از موفقیت روستا ها و محل های پایگاه های پیشمرگان مطلع باشد . در این میان حاشیای چه صورت مناسبت برآکنده و چه بصورت متشکل که در زمان پیشمرگان مسلمان کرد "گرد آوری شده اند میتوانند مورد استفاده قرار گیرند . رژیم خواهد کوشید از طریق این خود فروختگان محل های تیر و پاسکان نیروهای پیشمرگه را شناسایی کند و سپس توسط هواپیما یا هلی کوپتر آنها را بکوبد . البته گفته فوق بدین معنا نیست که رژیم صرفاً با نگاهها و جاها ی که نیروی پیشمرگه مستقر است یا تردد میکند را مورد حمله قرار خواهد داد . مسئله ایست که در همین کوشش فوق رژیم جهت بوجود

آوردن رعب و وحشت در میان روستائیان و سوق دادن آنها به قطع پشتیبانی خود از پیشمرگه ها یا محدود کردن این پشتیبانی ، به حمله به روستا ها و بیماران آنها بدون اینکه هدف مشخص صریحی زدن به نیروی پیشمرگه را دنبال کنند دست خود را هدر دهد .

این حرکت رژیم در عین اثبات میکند تا تیر - اثبات معنی داشته و موجب بروز اشکالات و محدودیت های در حرکت نیروی پیشمرگه در روستا گردد ولی قادر نخواهد بود با موفقیت رو برو شود آن ترس و وحشتی که حملات کور رژیم به روستا در روستائیان بوجود می آورد با توجه به پیوند روستائیان با نیروی پیشمرگه و آگاهی نسبی آنها که تاکنون روستائیان از طریق انشائی های که در بین آنها شده است نسبت به سایر بدست آوردند . در نتیجه موفقیت های نیروی پیشمرگه در ضرب زدن به دشمن و همچنین در اثر حرکات مبارزاتی در شهر پسرعت زایل خواهد شد و روستائیان اعتماد کامل خود را باز خواهند یافت . به این ترتیب با توجه به کلیه خطا لب نونی و با توجه به عدم توان رژیم در تثبیت استقرار خویش در شهرها (بعداً توضیح خواهیم داد) میتوان این نتیجه گرفت که رژیم در حرکت بسط روستا جهت نابودی نیروی پیشمرگه و استقرار در روستا موفق نخواهد شد و برنامه آن تا حد استفسار اولیه در شهرها متوقف خواهد گردید .

حرکت رژیم در زمینه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در دیوان اشغال شهرها

با استقرار در شهرها ، رژیم در حرکت بعدی خود خواهد کوشید تا با استقرار خود را منجمد سازد . برای اینکار رژیم احتیاج به جلب مردم بسوی خود و تا لید آنها نسبت به حضور خویش دارد . درد اصلی رژیم در کردستان اینست که با نگاه نموده ای ندارد و امروز این امر بیش از هر

زمان به چشم میخورد. به این دلیل و نتیجه به اینکه رژیم میخواهد به هر ترتیب حاکمیت خود را در کردستان برقرار کند و میداند و نبرد به کرده است که "راه حل نظامی" به تنهایی مسئله اش را حل نخواهد کرد، به دست و پا افتاده تا با تکمیل "راه حل نظامی" توسط "راه حل‌های غیر نظامی" حرکت خود را در جهت تأمین حاکمیت اش در کردستان با موفقیت رو برو سازد. البته این ایده و طرح تفکر بیشتر از طرف معنا صورتها فل - جوژوازی لیبرال که با واقع بینی جوژوازی خود به اوضاع مینگرد، بیان میشود و در همان آنها طرفدار دارد.

دکتر مظفر پورتیا، مشاور رئیس جمهور در راه - بطه با کردستان طی جریانات اخیر در مساجد با کیهان ۳ خرداد ۵۹ در عین حمله به نیروهای جبهه در کردستان و تکرار اینکه جنگ در کردستان "جنگ میان اسلام و کفر است"، اهلام میکند که پس از انجام این مرحله اکنون دارد صورت میگیرد (مظفر او به پا بان رسیدن اشغال نظامی شهر - ها است) راه حل نهایی مشکل، راه حل نظامی نیست و باید کوشش در چهار جنبه مختلف بطور هماهنگ انجام شود که این جنبه ها عبارتند از: ۱- جنبه عمران و آبادی منطقه کردستان باشد. نقد مناطقی دیگر نیست که امکان بهره برداری کم داشته باشد. امکانات کشاورزی و دامداری و تجسس برای معادن در این منطقه وجود دارد و تاکنون تا دیده گرفته شده است و دولت باید با برنامه ریزی نشان دهد که علاقت به عمران و آبادانی منطقه و ایجا در راه و آسایش برای مردم است. ۲- جنبه افزایش اطلاعات و آگاهی ها موسس و سواد آموزی در منطقه کردستان باید با برنامه ریزی دقیق اقداماتی در جهت افزایش آکا

به همین موسس انجام شود و از سوی دیگر نما لیتها نیز در جهت توجیه این مسائل که بین تراش کرد، شیبه، و سنی و ۱۰۰ اختلافاتی هم اگر وجود دارد حل شود و نقاط اشتراک افزایش یابد تا بتدریج نگاه حاصل شود این مسائل از بین برود. ۳- از سوی دیگر باید مدارس دینی مختلف برای تقویت تفه تسنن تأسیس شود تا به تربیت مبلغ اهل سنت بپردازد زیرا تا کون منطقه مبلغ اهل سنتندارد. ۴- در این راه بطه همچنین باید گفت که رجال مسلکی وقتی در مورد کردستان صحبت میکنند نباید به کسانی که مورد احترام مذهیبی مردم هستند اهانت کنند. ۵- اصلاح و ترجم بعضی از مواد قانون اساسی ۱۹۰۰ - نما لیت‌های اسلام بسیاری رفع اختلافات مذهیبی و "پرتو- ما" در ادامه صحبت‌های خود در مورد خود مختاری میگوید: "خود مختاری یکی از آرزوهای دیرینه مردم کرد است و از سوی دیگر مردم کرد ستم همیشه روابطشان و همفکری شان با ایرانی ها بوده است بنا بر این هیچ دلیلی نمی بینم که مانع شود در چهارچوب یک کشور هماهنگ مردم دو - ست به کردستان بعنوان خود مختاری امضا را نسیم تلقی گیرد. و طوری باشد که نظیر آن به سایر اقوام موجود در ایران هم داده شود تا انسجام کشوری از بین نرود" (تا کیازما ست).

صحبت‌های فوق از زبان مشاور رئیس جمهور در کردستان نشان میدهد که رژیم به ابتکار جناح جوژوازی لیبرال قصد دارد بعد از تصرف شهرها با جبهه ای اصلاح طلب و دلمجوی از مردم کرد در جهت جلب آنها از این طریق بسوی خود وارد شود (۱۷) بخلافه همانطور که در صفحات قبل گفتیم طرحهایی نیز در رابطه با نیروهای سیاسی جهت خنثی کردن و سپس از میدان بدر کردن آنها در نظر

تنگ و نفرت بر ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع

دارد. "پرتوماه" در ادامه صحبتهای خود میگوید "من به رئیس جمهور پیشنهاد کردم اگر میخواهند خود مختاری بدهند راهش اینست که از نمایندگان ائتلاف مختلف مردم دعوت شود که در تهران اجتمع کنند و کنگرهای تشکیل دهند و در آن انواع نقطه نظرها مورد بررسی قرار گیرد و حتی مناقشه شود فرمولی بدست آید که همه پسند باشند و ممكن است طرح ۶ ماده ای هم اساس قرار گیرد و پس از اصلاحات اگر پسندیده اجرا شود - (تأکیدات آژیا)

رژیم برای اینکه بتواند با این جبهه وارد شو و جبهه است از سیاست سرکوب گوی چشم پوشیده و سیاست سرکوب خود را به شیوه های معقول تری به اجرا درآورد و سعی کند جبهه اصلاح طلبانه و دانشجویی را خرید و مقابل مردم جلوه کند. چنین حرکتی خواست رژیم و بویژه خواست جناح بورژوازی لیبرال است و صحبت های "پرتوماه" و نکات سیاسی در صحبت های بنی صدر بیانگر آنست. ولی با توجه به عوامل متعدد رژیم قادر نخواهد بود این جبهه را برای مدتی حفظ کند و آنرا به اجرا بگذارد. شرایط خاص موجود یعنی از یک طرف سطح بالای آگاهی و خواست های نوین در کردستان بویژه در شهرهایی چون سنندج، بیروان، سنقر و... و شدت تضاد موجود میان رژیم و خلق کرد و وجود نیروهای پیشرو که ادامه ضربات آن به مواضع رژیم و از طرف دیگر تضادهای درونی هیئت حاکمه و وجود اختلاف نظر بر سر حرکت در کردستان و همچنین رشد مبارزه طبقاتی در سراسر ایران در نتیجه بحران اقتصادی حاکم جبهه واقعی رژیم بر ملا شده و برنامه و حرکت اصلی و انزالی آن یعنی سرکوب بیسوسه تبلور خارجی یافته و به اجرا در خواهد آمد.

اما مسئله اصلی و اساسی در شکست برنامه رژیم همان عدم تسوآن و خواست رژیم در جوابگویی به خواست های اساسی خلق کرد و رابطه آن با توده های مردم کرد است که در برنامه های مثلا جناب "پرتوماه" ارائه داده است کاملاً مشخص

است و تا کجمن نیز به عنوان امر مسلم در حرکت رژیم تبلور یافته است.

در برنامه های "پرتوماه" در زمینه مسائل اقتصادی، اجتماعی و "رفیقای" در کردستان ارائه می دهد کوچکترین اشاره ای به مسئله ارضی و حل آن نشده است. انگار نه انگار که چنین مسئله ای در کردستان وجود دارد. سابقاً کما و مطرح می کند از امکان بهره برداری در زمینه کشاورزی البته بدون حل مسئله ارضی (۲) و داداری و تجسس برای معادن و اینکه دولت باید با برنامه ریزی نشان دهد که علاقه مند به عمران و آبادی منطقه و ایجاد رفاه و آسایش برای مردم است. فراتر نمی رود. این تمام برنامه و اصلاحاتی است که "ایدئولوگ" مسائل کردستان و مشاور ریاست جمهوری برای مردم کردستان در چشمه دارد. این برنامه که بقیاً چیزی جز یک برنامه تاجیز رفاهی سطحی بیش نیست و بسیار هم کلی و مبهم است جوانگویی کوچکترین خواست های مردم کردستان هم نیست. در این برنامه حتی انجسام بعضی اقداماتی که بطور کلی در نوان بورژوازی است (مانند ایجاد کارخانه و مراکز صنعتی یا دانشگاه) نیز به چشم نمیخورد. البته بعنوان سخن محترضه باید گفت که ایشان مسائل اساسی را فراموش نکردند. مانند بقره بسط علم و تکنیک! نیز بودماند و به همین دلیل در نکته دوم (با بقل ایشان در جبهه دوم) بر لزوم ایجاد "مذاکره" بین مختلفه برای تقویت نفوذ تشکیلاتی "برای تربیت مبلغ اهل سنت تأکید دارند. اینکه "پرتوماه" هیچ گونه اشاراتی به مسئله ارضی نمی کند مفهوم دیگری ندارد جز اینکه رژیم به دلیل انگاری به نفوذ اهل و زمینداران بزرگ در این زمینه

صحبت از "بهره برداری از امکانات کشاورزی و... و" تجسس معادن" نشان میدهد که مسئله آقای "ایدئولوگ" بورژوازی نه وجود آوردن کسری امکانات بهره برداری بعدی از آنها، بلکه استفاده از امکانات موجود با امکاناتی که موجود آوردنشان، "زحمت" زیادی برای آنها ندارد حیا شد.

قادر به هیچ حرکتی به نفع دهقانان نیستو برای حفظ پشتیبانی فتودالها و زمینداران بزرگ، و تونجا - ندن آنها در این موقعیت حتی از صحبت در پیروا - مون این مسئله طفره میورد .

با چنین "برنامه" ای و با توجه به موقعیت و ماهیت رژیم که قبلاً راجع به آن صحبت کردیم تکاملاً روشن میشود که رژیم جمهوری اسلام نمی تواند و نه در برنامه اش هست که به اجرای رژیم در کردستان و اجرای يك برنامه اقتصادی ، اجتماعی حد اقل در - کردستان دست بزند .

در ادامه بحث فوق در مورد حلال اساسی شکست حرکت رژیم برای استقرار نسبی در کردستان و در ارتباط با بحث فوق این مسئله مطرح است که رژیم در کردستان و در میان توده های مردم هیچ گونه پایگاه توده ای ندارد . این مسئله فاکتور بسیار مهمی است که استقرار (تثبیت) رژیم را در کردستان نسرهما (غیر ممکن می سازد . پشتیبانان رژیم در کردستان معدود است به عناصر خود فروخته (جاشها) زمینداران بزرگ و فتودالها و عناصری که دشمنان خلق کرد بوده و توده مردم شدیداً از آنها متنفرند و آنها را دشمنان آشتی ناپذیر خود می دانند .

در مورد مسئله ملی و خود مختاری نیز که یکی از مسائل اصلی و ملموس برای خلق کرد است رژیم نمیتواند آنها حل کند و نمی خواهد آنها برسمیت شناخته و حتی بکآن بطور جدی برخورد کند . "پرتوماه" در همان صاحبیه از "خود مختاری" و امکان اساسی فرار گرفتن طرح ۶ ماده ای حسرتزب دمکرات سخن می گوید اما اولاً از دادن خود مختاری صحبت نمی کند بلکه از اینکه "به عنوان خود مختاری امتیازاتی تعلق گیرد" حرف می زند ثانیاً راه دادن آنها از طریق مذاکره با نیروهای سیاسی و نمایندگان مردم کردستان (حتی صرفاً حزب دمکرات) -

بلکه می گوید "راهی نیست که از نمایندگان افشار مردم دعوت شود که در تهران اجتماع کنند و کنگره ای تشکیل دهند و در آن انواع نقطه نظرها مورد بررسی قرار گیرد" و حتی شاکته شود تا فرمولی بدست آید که همه پسند باشد بعد اضافه می کنند که نمایندگان احزاب و سازمانها نیز حضور داشته باشند یعنی آشی که با نظارت خلق کرد و نمایندگان آن (البته اگر چنین طرحی را هم بپایه بکنند) توسط بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفهستی بختسه می شود اما این آشی که همان "امتیازاتی است که بعنوان خود مختاری تعلق می گیرد" چیزی بیش از "طرح خودگردانی" نیست و نمی تواند باشد . این را در "برنامه" و صحبت های "پرتوماه" و در رابطه با خود مختاری شیوای که ایشان برای رسیدن به آن پیشنهاد کرده است و همچنین طومستر از آن در پراتیک یک سال اخیر هیئت حاکمه در بر خورد به مسئله خواست خود مختاری از طرف خلق کرد ، می توان مشاهده نمود . رژیم نشان داد که حد اکثر امتیازاتی که رژیم قادر است بدهد همان طرح گد - ای "خودگردانی" است و از آن فراتر نمی رود . به این ترتیب همانطور که قبلاً اشاره کردیم رژیم نه تنها طرح ۶ ماده ای بلکه حتی قادر و حاضر به قبول طرح ۶ ماده ای حزب دمکرات نیز نیست و صحبت "پرتوماه" یعنی بر "امکان فرار گرفتن طرح ۶ ماده ای به عنوان اساسی بحث" چیزی * - قابل ذکر است که طرح "خودگردانی" که محتوای آن چیزی جز برقراری سیستم عدم تمرکز اداری به علاوه بعضی مسائل جزئی نیست ، مورد اعتراض جناح خرده بورژوازی است و بعضی نمایندگان این جناح حرکت دولت بازگان و فوهرر به خاطر دست یازیدن به مذاکراتی که به ارائه این طرح از طرف دولت انجامید را خیار نمی خوانند .

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

که در دوران رژیم شامو قبل از آن بر آنها رفته و حقوقی که باید داشته باشند آگاهی یافته‌اند، و این آگاهی در نتیجه فعالیت آگاهانه نیروهای سیاسی در کردستان طی دوران اخیر به مقدار زیادی تا حد زیادی افزایش یافته است - بر این مبنای عدم پاسخگویی رژیم جدید یعنی جمهوری اسلامی به خواسته‌های خلق کرد (که قبلاً راجع به علل آن صحبت کردیم) و برعکس سرکوب و کشتار آن و فعالیت وسیع نیروهای انقلابی در کردستان به سرعت حرکت و برنامه رژیم جدید را برای تودم‌های خلق کرد آشکار نمود - طی این مدت تودم‌های کرد نسبت به جمهوری اسلامی فروریخت و آنها را واداشت تا به میزبانی برای کسب حقوق خویش ادامه دهند -

رژیم جمهوری اسلامی آنچنان به ضدیت با خلق کرد و خواسته‌های آن برخاست و چنان سرکوب و کشتاری در کردستان برآورداخت که کوچکترین جاش برای قبول خویش از طرف تودم‌های کرد باقی نگذاشت و چه بسا

تودم‌های ناآگاه در مقایسه رژیم جمهوری اسلامی بسا

رژیم شاه و اولی را دشمن سرسختی برای خود یافتند -

آنها سرکوب و ستم فاشیستی ولی پنهان رژیم شاه را در

دوران رژیم جمهوری اسلامی بصورت آشکار و وحشیانه -

ایش که فرزندان خویشان و آشنایان آنها را در ابعاد

دهها و صد ها نفر به نابودی می‌کشاند و شهبور و

دیارشان را به برانه تبدیل می‌نمود و می‌نماید مشاهده می‌کنند

بود در مطلق ساد و تجزیه خویش رژیم فعلی را درند و ستم

و او تهاجرت می‌یابند - این وضعیت با گستردن ترسند

ابعاد سرکوب و کشتار که هم اکنون شاهد آن هستیم

باز هم بیشتر تشدید می‌شود - آنها رژیم حاکم فعلی سر

را نه حامی شتضعفین "میدانند و نه" اسلامی - آنها

در زندگی روزمره و مینی خویش به این نتیجه‌گیری رسیدند

اند - آنها در حالیکه مسلمان هستند مثل همیشه

اعتقادات و اعمال مذهبی خویش را حفظ کرده‌اند، بسا

آفوش باز کومیتنها را استقبال می‌کنند و با تمام وجود

از آنها پشتیبانی می‌کنند - آنها کومیتنها را مسلمان

نتر از رژیم جمهوری اسلامی می‌دانند - همه آنها به

این دلیل که آنها در زندگی روزمره و مینی خویش -

جزئیک موضع تاکتیکی برای امیدوار کردن حزب دمکرات و کشاندن آن بدنیال خود و وجه المانع قرار دادن آن معنی دیگری ندارد - آن اصلاحاتی هم که رژیم میخواهد در آن وارد کند اینستکه این طرح را ضلع کرده و آن را با محتوای طرح "خودگردانی" و به شکل دیگری ارائه دهد -

به این ترتیب رژیم علیرغم وده و رویتد هسای بسیار حتی خرج مبالغ زیاد پول و بعضی اقدامات رفاهی و ارائه دوباره طرح کدانی "خودگردانی" (بعد اکثر کاری که میتواند انجام دهد) و تساد ر نیست کوچکترین خواسته‌های خلق کرد را جواب دهد - این امر همچنین بدین معنی است که رژیم اجباراً و لزوماً با یستی برای حفظ استمرار خویش در شهر هابرجماق سرکوب بیش از پیش تکیه کند - حتی که باز هم شکاف میان توده های خلق کرد و رژیم را افزایش خواهد داد -

وضعیت تودمها و حرکت جنبش تودم‌های

در کردستان

خلق کرد با پشت سرگذاشتن یک دوران مبارزه سیاسی - نظامی که بصورت جنبش مقاومت خلق کرد متبلور گردید و بسر بردن در یک وضعیت انقلابی، امروز بطور نسبی در شرایط بالایی از آگاهی و تشکل و آمادگی مبارزاتی بسر می‌برد - طی جنگ مقاومت تودم‌های خلق کرد علیرغم نفوذ نیروهای بورژوازی و خودمیزبانی در جنبش مقاومت و توانست صحنه‌های پرشوری از مبارزه بیافریند (مقاومت ستر در دوره اول جنگ مقاومت و مقاومت دلاوری مردم سنج در دوران اخیر) و سطح بالایی از آگاهی و تشکل را به نمایش بگذارد (تصمیم ۳۰ روزه مردم سنج و بوجود آوردن نهاد های انقلابی مانند بنکها) آنها و مبارزات مسلحانه پیشروان همه تجربیات پرباری است که بر فضای سنت مبارزاتی خلق کرد می‌افزاید و آنها در مبارزه برای کسب حقوق واقعی خویش باید به حسر می‌بازند - اکنون بخش مهمی از مردم کرد نسبت به جنبش

کمیته‌ها را مدافع و در کار خویش بمانند . مسئله فوق را فقط برای تبلیغ نمی‌گوئیم ، بلکه بیشتر از آن به این جهت آنرا مورد توجه قرار می‌دهیم که بیانگر وجود صفت بندگی (یا حداقل زمینهای وسیع و عمیق صفتندی) طبقاتی و سمت صحیح حرکت ذهنی توده‌ها خلق کرد است . آنها از آنکس دفاع و پشتیبانی میکنند و سمت حرکتشان در تأیید کسانی است که مدافع منافع طبقاتی آنان هستند و نه گدایان و سگ‌ها و سگ‌های سنی شان با یک چنین وضعیت ذهنی و شرایط عینی است که امروزه توده‌های خلق کرد در سطح بالایی از پتانسیل انقلابی و خواست کسب حقوق اساسی خویشند . بگذریم هم نمونه مقاومت دلاورانه مردم سندج و شیروان و پتانسیل قدرتمند انقلابی آنها را میتوان شاهد مثال آورد .

بر این اساس و با توجه به وجود سازمانهای چپ - انقلابی بزرگ نفوذ ریزان نبردهای اصلی مارکسیست - لنینیست که سلحشانه در کنار و پیشاپیش توده‌ها مبارزه ادامه می‌دهند و به دلیل عدم توان و خواست رژیم در پاسخگویی به خواستهای صریح خلق کرد به دلالتی که قبلاً ذکر آن رفت ، نه تنها رژیم قادر نخواهد بود با سرکوب و گشت‌و‌گشت حرکت مبارزاتی توده‌های کرد را متوقف سازد ، بلکه با حرکت ضد خلقی سرکوب و محاصره خویش با هدف کینه باز هم بیشتر خلق کرد نسبت به خود و راست‌تر شدن هم آنها در ادعای مبارزه خواهد شد . چنین وضعی که ما به خوبی در حرکت توده‌های خلق کرد در برابر سرکوب و گشت‌و‌گشت رژیم شاه طی دوره مبارزات یک ساله و نیم قبل از قیام شاهد بودیم ، سرکوب و محاصره توده‌ها که هم اکنون در جریان است میتواند بطور موقعت و زودگذر و فکری یا وقفه‌های در حرکت رشد پاینده مبارزات خلق کرد ایجاد کند ، ولی قادر نخواهد بود آنها را متوقف یا با یک دوره انزوا و رکود طولانی یا متوسط مدت مواجه سازد . زمینه‌های مادی ادامه جنبش مقاومت در کردستان بر بیشتر زمینه مادی رشد و ارتقای جنبش توده‌های در

سراسر ایران همچنان موجود بوده و رژیم حاکم قادر به از بین بردن آن نیست . آنچه می‌ماند زمینه‌های ذهنی آنستکه در همین فراهم بودن نسبی آنکه قبلاً به آن اشاره کردیم - همچنان باید پرورش یابد و سمت آن هر چه بیشتر در جهت یک مبارزه طبقاتی واقعی سوق داده شود . به عبارت دیگر نگرش نبردهای مارکسیست - لنینیست در بردن آگاهی طبقاتی در میان توده‌ها و تلقین درست مبارزه ملی با مبارزه طبقاتی عامل اصلی در این پرورش خواهد بود . آنچه مسلم است چنین حرکتی از طرف نبردهای اصلی مارکسیست - لنینیست از کانال مبارزه با نظرات نبردها بیرون می‌آید و خود بیرون می‌آید و نه از آنها از ذهن توده‌ها و جنبش آنها جهت بدست آوردن همرویی آید تئوریزی پرولتری در جنبش مقاومت که تنها خامین پیگیری و به پیروزی رساندن آنست میگردد .

بر این اساس و با توجه به وجود سازمانهای چپ - انقلابی بزرگ نفوذ ریزان نبردهای اصلی مارکسیست - لنینیست که سلحشانه در کنار و پیشاپیش توده‌ها مبارزه ادامه می‌دهند و به دلیل عدم توان و خواست رژیم در پاسخگویی به خواستهای صریح خلق کرد به دلالتی که قبلاً ذکر آن رفت ، نه تنها رژیم قادر نخواهد بود با سرکوب و گشت‌و‌گشت حرکت مبارزاتی توده‌های کرد را متوقف سازد ، بلکه با حرکت ضد خلقی سرکوب و محاصره خویش با هدف کینه باز هم بیشتر خلق کرد نسبت به خود و راست‌تر شدن هم آنها در ادعای مبارزه خواهد شد . چنین وضعی که ما به خوبی در حرکت توده‌های خلق کرد در برابر سرکوب و گشت‌و‌گشت رژیم شاه طی دوره مبارزات یک ساله و نیم قبل از قیام شاهد بودیم ، سرکوب و محاصره توده‌ها که هم اکنون در جریان است میتواند بطور موقعت و زودگذر و فکری یا وقفه‌های در حرکت رشد پاینده مبارزات خلق کرد ایجاد کند ، ولی قادر نخواهد بود آنها را متوقف یا با یک دوره انزوا و رکود طولانی یا متوسط مدت مواجه سازد . زمینه‌های مادی ادامه جنبش مقاومت در کردستان بر بیشتر زمینه مادی رشد و ارتقای جنبش توده‌های در

تذکیر

مقاله‌ای که در مورد کردستان ملاحظه می‌کنید ، بدیهیست که از نگارش آن میگذرد . این مقاله گوشه‌ای است در توضیح حرکت رژیم جمهوری اسلامی و همچنین حرکت جنبش مقاومت خلق کرد در حال حاضر و روند ادامه آن . اکنون که مدتی از نوشتن مقاله میگذرد ، اطلاعات و وقایع پیش آمده صحت پیش بینی ما را بر مود روند اوضاع در کردستان نشان میدهد .

هیئت تحریریه

توضیحات

(۱) - در واقع حل نهایی این بحران که به عنوان سیتم سرمایه‌داری وابسته است تنها با نابودی این سیتم و درم کردن و مناسبات سرمایه‌داری وابسته امکان پذیر و عملی است ، زیرا تضاد میان رشد نیروها مولد و مناسبات حاکم (مناسبات سرمایه‌داری وابسته) که به مرحله آنتاگونیسم در سالهای ۵۷ - ۶۰ کشیده شد همچنان موجود است و حتی به دنبال تغییر و

پیروزی و زیاد جنبش مقاومت خلق کرد

تحولات سیاسی در سطح جامعه بعد از تهاجم بهمن ۵۷ شدید نیز یافته است - در واقع حل بهسران سیاسی - اقتصادی جامعه ما در دوران رژیم ششماه تنها با یک انقلاب اجتماعی امکان پذیر بود - در حالیکه تغییر و تحولات به وجود آمده در جامعه تنها یک انتقال قدرت سیاسی از دست بورژوازی کپسورادور به دست بورژوازی لیبرال و خرد - بورژوازی مرفه سنتی بسسما شرکت بخش از بورژوازی کپسورادور بود و سیستم اقتصادی سرمایه داری وابسته به جای خود باقی ماند -

(۲) همه جا وقتی از خرد - بورژوازی صحبت می شود منظور خرد - بورژوازی مرفه سنتی است در غیر این صورت آنرا مشخص خواهیم کرد -

(۳) منظور اینست که امپریالیسم به دلیل عدم تثبیت قدرت حاکم و نداشتن محیطی امن برای سرمایه گذاری و سرانیز کردن کمکهای اقتصادی در نتیجه وجود یک جنبش بودهای (و حرکت بخشی از قدرت حاکم خود بود) -

رزواری - که علوی شدن میان روابط میان حکومت جدید و امپریالیسم را دچار اشکال می سازند حاضر بصرمایه - گذاری جدید و اعطای کمکهای اقتصادی نیست و حتی با خروج سرمایه های خود یا عدم ادامه سرمایه گذاری و کمکهای سابق بهران سیستم حاکم را تشدید می کند -

(۴) منظور از بهتر بودن موقعیت ارتش - اینست که نسبت به سال پیش رژیم توانسته است تا حدود زیادی "نظم" و "انضباط" را در میان ارتش که در آنه تقسیم نمودها در هم ریخته بود به آن بازگرداند و همچنین شوراهای انقلابی و مرفی پرستل جز" را به مقد ارزینادی سرکوب یا خنثی نماید - بحالوه "سیاه پاسداران" که این مدت توانسته است شکل بگیرد و انسجام بیشتری پیدا کند و در همین ارتباط هماهنگی بیشتری در ادامه سیاست خود در کردستان یعنی سرکوب خلق کرد با ارتش پیدا نماید -

(۵)

حالت این حکم و پیش بینیها اکنون میتوانیم بخوبی بینیم بنی صدر در صاحبه راد پوتلویزیونی در صحبت - هایش در این جهت سخن گفته شد نهال آن شاه

انتشار پیام مشترک از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان ایران بودیم - بار - دیگر بنی صدر در صحبت بعدی هایش حرکت این د و نیرو را تأیید کرد و آنها را "منطقی" خواند و از "شرفل" آمدنشان ابراز سرت کرد - اکنون رسانندگان گروهی اعلام می کنند که طرح ۶ ماده ای با اصلاحاتی برای حل مسئله کردستان اعلام خواهد شد -

(۶) منظور از عبارت نوبت تفکر حاکم بر خرد بورژوازی مرفه سنتی است که همان اسلام ۱۰۰ سال پیش و برداشتهای آن در این کادر است - بر بنی این تفکر خرد - بورژوازی مرفه سنتی هیچ اعتقادی بسسه وجود سن ملی بر اقلیتهای ملی ندارد و همه را جز "امت اسلامی" که هیچ فرقی میان آنها نیست از همه آنها درستی که برایشان روا رفته است مسأوی اند - قرار میدهند - مثلا صحبتهای مختلف خمینی مبنی بر اینکه مردم جنوب شهر تهران ششم بیشتری کشید ماند و وضعشان از مردم کرد - تان بدتر است و ۰۰۰ همه بیان چنین تفکری است

(۷) - این عدم توان رژیم را بخوبی می توان در بهانه های که اکنون می آورد مشاهده نمود - اطلاعات ۰۱ خرداد ۵۹ تحت عنوان تقسیم زمین در کردستان بزودی آغاز خواهد شد "از قول خوانساری یکسی از اعضای ستاد مرکزی نظارت بر اجرای اصلاحات ارضی اسلامی در سراسر ایران" در مورد تقسیم زمین در مناطق اطراف سنندج می نویسد - "مسائل مابوط به زمین را در این شهرستان مورد بررسی قرار دادیم و فعلا امکان تشکیل هیئت ۷ نفری برای تقسیم زمین وجود ندارد - اما به محض اینکه توانستیم امنیت را بطور کامل در منطقه برقرار کنیم و جلوه اقدامات احتمالی فتود الهارا بگیریم کتبه ۷ نفری تشکیل و تقسیم زمین آغاز خواهد شد (تأکیدات از ماست) - در این سخنان پسندآور توضیح بیشتر می توان دید که رژیم تنها میشوایم وده "سرخرمن" بدهد و از اجرای وده مسأوی خویش کاملاً ناتوان است - ۱۰ خرداد ۵۸

توضیح ۱

مقاله تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه و ... قبل از انشعاب در "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" نوشته شده است. بنا براین در طول مقاله هر کجا از "سازمان چریکهای فدائی خلق" صحبت شده است منظور دوران قبل از انشعاب اخیر است و روشن است که برخورد آن توجه نظرات حاکم (رهبری) بر سازمان بوده است.

تشدید مبارزه طبقاتی ...

لنین در مقاله "احزاب سیاسی در روسیه" میگوید "تقسیم هر جامعه‌ای به احزاب سیاسی هنگامی با وضوح تمام نمایان می‌شود که بحرانهای عمیق تمام کشور را منتشر ساخته باشد، در چنین مواقعی دولتها مجبور می‌شوند در بین طبقات مختلف جامعه تکلیگاهی برای خود جستجو کنند. مبارزه جدی هرگونه عبارتی از وی و هرگونه مبارزه کارگری و هرگونه تظاهراتی را از سر راه خود به کاری می‌انگند" و چند سطر بعد ادامه می‌دهد "همیشه در پرتو این چنین بحرانهاست که گروه‌های حزبی نیروهای اجتماعی برای سالهای زیاد و حتی برای دهها سال تعیین می‌شود. مثلاً در آلمان نمونه چنین بحرانی جنگهای سالهای ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ و در روسیه حوادث سال ۱۹۰۵ بود. بدون مراجعه به حوادث سال ۱۹۰۵ نمیتوان به ماهیت احزاب سیاسی کشور ما پی برد و نمی‌توان برای خود روشن نمود که فلان یا بهمان حزب در روسیه نمایندگانه از طبقه است" (تاکید از لنین).

اکنون اوضاع جامعه ما و روند حرکت آن به گونه‌ایست که هر روز بیشتر شاهد این وضوح در تقسیم بندی جامعه به احزاب سیاسی مختلف و تعیین گروه‌بندی - پهای حزبی نیروهای اجتماعی و خلاصه اینکه اینک

با آن جریان نمایندگانه از طبقه اجتماعی است می‌باشیم. به عبارت دیگر تشدید بحران سیاسی اقتصادی موجود در جامعه و در نتیجه تشدید مبارزه طبقاتی در آن، باعث میگردد طبق بندی طبقاتی در میان نیروهای سیاسی موجود. اینکام بیشتر یافته و مشخصتر گردد. به این ترتیب در آینده نزدیک بایستی ششتر حوادثی باشم که این گروه‌بندی را که اکنون در نتیجه بعضی حوادث و جریانات در درون جامعه بروز خارجی و مشخص یافته است "برای سالهای زیادی و حتی دهها سال تعیین کند".

در واقع مسئله اینست که بازتاب اوضاع جامعه ما در درون جنبش کمونیستی ایران طی دوران پهن از قیام بهمن ۵۷ تا کنون، و آنچه هم امروز در جامعه ما می‌تدرید، در حال حاضر ما را در مقابل این وضعیت قرار داده که جریانات درون جنبش کمونیستی ایران بیز از پیش سمت‌گیری طبقاتی خود مشخص کرده و صف جریانات مارکسیستی اصل از جریانات غیراصیلی مارکسیستی جدا می‌گردد و حرکت جریانات غیراصیلی مارکسیستی "سازا بصورت بریدی این جریانات از ابتدائی ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم درباره طبقات و مبارزه طبقاتی و تغیر تزا و نظرات روزنیستی و فرمینیستی ظهور می‌گردد. اکنون روزنیسم خروشانی که بد رشتی از طرف مارکسیست - لنینیستها بعنوان خطر عبده در درون جنبش کارگری و کمونیستی مطرح می‌گردد و می‌گردد با نفوذ و غلبه در بخش مهمی از جنبش کمونیستی ما، بصورت خطری بالفعل در آمد مو بهشت آنرا تهدید می‌کند. رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق به دنبال یکه دوران حرکت نوسانسی میان مارکسیسم و روزنیسم و در واقع میان پرولتاریا و بورژوازی، به دلیل ماهیت تفکر و روش سیاسی حاکم بر آن در مقابل شد گیری مبارزه طبقاتی

پس چه مبارزه آید فولوزیک و ابراشته تر سازی

حداکثر باطن تضاد میان بورژوازی و طبقه کارگر بطور انحصاری و زحمتگشان بطور اتم و بعبارت دیگر در مقابل تسلیم سنگینی بار انقلابی که ناتمام مانده است، قدمهایش به لوزه می افتد و ندای تسلیم و سازش در می دهد و در مقابل بورژوازی جبهه به زمین می ساید. این تسلیم و کرنش رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق در مرحله مبارزه طبقاتی به شکل ارائه ترهاس و نظرات تسلیم طلبانه و روزنه پستی و فرارگرفتگی در جبهه روزنه پستی و سازشکاران بروز بیست و یک می کند و بسورت آنرا در مقابل نیروهای مارکسیست-لنینیست و جبهه نیروهای انقلابی قرار خواهد داد. در اینجا قصد ما بررسی حرکات سازمان چریکهای فدائی خلق بطور کلی و برخورد به نظرات و حرکات آن نیست، این امر را تاکنون سازمان ما انجام داده و پیگیرانه ادامه خواهد داد. برخورد و بررسیها در اینجا به بررسی و تحلیل حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق در ارتباط با کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد بطور مشخص و روند حرکتی که این سازمان در این ارتباط تا کنون داشته است محدود می شود بدون شک حرکت عقلی و نظری سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان جدا از حرکت عینی آن نیست و برخورد ما نیز سز چنین نخواهد بود. مسئله اینست که ما در اینجا صرفاً این جنبه از حرکت این نیرو را بطور مشخصی مورد برخورد روزرسی قرار خواهیم داد. لزوم و ضرورت این امر در رابطه است با شرکت این نیرو در جنبش مقاومت خلق کرد تا کنون و نتایجی که سه حرکت امروز سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با مبارزات خلق کرد و نیروهای سیاسی سهم در آن باقی می گذارد. قبل از پرداختن به بحث اصلی لازم به یادآوری است که به دلیل در دسترس نبودن مجموعه انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان، نوشته ما چهار کیسود و تقاضی خواهد بود. لیکن ما می گوئیم با تکیه بر همان مقدار استنادی که در دست داشتیم تا حد

امکان برخورد همجانانهای داشته باشیم و خط وسط اصلی حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق را در ارتباط با جنبش مقاومت خلق کرد و چگونگی انعکاس حاکمیت جریان روزنه پستی در سازمان را در این ارتباط و در شاخه کردستان آن روشن گردانیم.

تدبیح مبارزه طبقاتی

و حرکت انقلابی

سازمان چریکهای فدائی خلق (شاخه کردستان)

در دوران پریش اول هیئت حاکمه به کردستان در مرداد ۵۸ که به فرمان آیتالله خمینی انجام گرفت سازمان چریکهای فدائی خلق "به ارتجاع حاکم" معتقد بود و در مورد حمله آن به کردستان در گزار ۲۲ به تاریخ ۲۶ شهریور ۵۸ در مقاله "کفرانسیس وحدت ۱۰۰۰" می نویسد: "اما ارتجاع حاکم پریش وسیع خود را برای پایمال کردن دستاوردهای قیام و آزاد بهای بدست آمده و به بند کشیدن زحمتگشان و سرکوب مبارزات حق طلبانه خلقها آغاز کرده است؟ و در ادامه می گوید: "چنانچه ارتجاع حاکم مؤسسه شود کردستان را به خاک و خون بکشد و جنبش مقاومت خلق کرد را از پای درآورد. جاقوی امپریالیسم که در جریان قیام از کار افتاده بود از نوبه کار افتاده و سرکوب همه نیروهای انقلابی حتی لیبرالها و محافظتکاران میانرو نیز تا حد امکان پیش خواهد رفت. تضادهای موجود رژیم بنفع مرتجعین جناح آن حل خواهد شد و تحت پوشش ولا یستغفیه یک دیکتاتوری فاشیستی بر مردم تحمیل خواهد شد اما اگر در کردستان تیر ارتجاع به سنگ برخورد ۱۰۰۰ بویژه شبه کودتایی که بود جناح ارتجاعیتر رژیم در اواخر مرداد صورت گرفت با اعترا خراجد پتر از جانب جناحهای دیگر هیئت حاکمه مواجه خواهد شد (تاکید است از ماست) در نقل قولهای فوق مشاهده می کنیم که اولاً "سازمان چریکها" هیئت حاکمه را ارتجاعی معرفی می کند که خواهان نابودی جنبش مقاومت خلق کرد است و آن را نیز کننده جانشینی

امپریالیسم می‌داند، ثانیاً از جناح ولایت نفیسی آن یعنی خرده بورژوازی حاکم به نام جناح ارتجاعیتر رژیم که می‌خواهد یک دیکتاتوری فاشیستی بسازد تمهیل کند و در اواخر مرداد ۵۸ دست به شیبه کودتازد (فرمان خمینی مبنی بر جهاد علیه گنار) در کردستان و اعلام همه‌جبهه نگرانی فرماندهی کل توأاز طرف او نام میرسد. دیکتاتوری فاشیستی آنکه حتی لیبرالها و محافظه کاران میانه رو را نیز در آلمان نخواهند گذاشت در مورد مباحث مبارزه خلق کرد و خواسته‌های آن سازمان چریکی در بخش دوم همان مقاله در "کار" شماره ۲۲ از لزوم ممانعت از عده شدن جنبه ملی مبارزه و دامن زدن به مبارزه طبقاتی صحبت می‌کند می‌گوید "۰۰۰ عده کردن مسئله ملی در اسپن شرایط معادل است با تن دادن به گرایشهای ناسیونالیستی و تنگ نظرهای خرده بورژوازی. ما معتقد نیستیم که مسئله ملی در کردستان جدا از بورژوازی انقلاب دمکراتیک خلق در سراسر ایران قابل حل است و تن دادن به گرایش ناسیونالیستی جز مخدوش کردن مبارزه طبقاتی تحمیل نودها و منحرف کردن ذهن آنان از دشمن اصلی خویش نمی‌خواهد داشت. هرگز که به موقعی استراتژیک منطقه و به موقعیت کنونی مبارزه طبقاتی در ایران اندک آشنائی داشته باشد نمی‌تواند امیدوار باشد که خلق کرد می‌تواند خارج از چارچوب ایرانی آزاده و دمکراتیک به حاکمیت دمکراتیک دست یابد. (۳۰ تأکیدات از ماست) -

سازمان چریکیهای فدائی خلق - شاخه کرد - ستان در مورد مذکوره و شروط انقلاب در اطلاعیهی بتاريخ ۱۸ آبان ۵۸ (مدرج در کار ۳۶) شش شرط قائل شده است که عبارتند از: بدین شرح اصل شروط مختصاری که سردستمان از طیف دولت آزادی فاشیستی زندانیان سیاسی و لغو حکم تبعید مبارزان کرد

بدین ترتیب تعابیر کی خلق کرد با انحلال سپاه پاسداران در کردستان مصلح سلاح مزدوران محلی - شیل جبران خسارت از طرف دولت و پیشرو انتشار طرح خود مختاری هیئت نمایندگی خلق کرد از راه یوتونیون، در خاله "ا" و جنبش مقاومت خلق کرد" در همان شماره کار آمده است "هرگونه مصلح پایداری در کردستان باید مضمّن به رسمیت شناختن ارگانهای خود مختار مصلح توده‌های باشد که طبق طرح مصلح کردستان می‌باید مسئولیت حفظ انتظامات داخلی منطقه گردن نشین کنند را بر عهده گیرند."

مجموعه مواضع فوق و حرکتی که "سازمان چریکی" بر مبنای این مواضع در ارتقا طبایع جنبش مقاومت خلق کرد در پیش گرفته بود - صرف نظر از زاویه دید لیبرالی در برخورد به جناحهای بورژوازی و خرده بورژوازی هیئت حاکمه و از حرکت ارتجاعی خرده بورژوازی به بورژوازی بنا بردن از جانب "سازمان چریکی" - در مجموع بی‌انگرموضی انتقالی (۳۰) از جانب این سازمان در برخورد به هیئت حاکمه و مبارزه و مقاومت خلق کرد بود. در کار و همین مواضع است که شاخه کردستان سازمان چریکیهای فدائی خلق علیه رژیم گرد شیکه و مواضع رهبری سازمان بعد از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیروز خط امام "بوجود آمد و نقطه شروع مقاله "چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد؟ چرا نخست وزیر مستعفی امام سقوط کرد؟" در کار ۳۰ مورخ ۲۱ آبان ۵۸ بود. در اعلامیه‌های که بتاريخ ۲ آذر ۵۸ تحت عنوان "ضد امپریالیستیهای واقعی چه کسانی هستند؟" منتشر نمود مواضعی اتخاذ می‌کند که مطابق آن با مواضع امروز سازمان چریکیهای فدائی خلق بسیار جالب است. در این اعلامیه چنین می‌خوانیم: "در طول مدت پس از قیام ما از یک طرف (۳۰) - پایوتی در صفحه بعد

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با ریزوئیسم نیست

شاهد درگیریهای بین این دو جناح (منظور جناح بورژوازی و خود بورژوازی است - توضیح از ما) در درون هیئت حاکمه بر سر داشتن سهم عده از قدرت بودیم و از طرف دیگر ناظر موضوع یکسان آنان در امر سرکوب خشن در برابر حرکتها می-زحمتکش مردم و نابودی آزاد بهای دموکراتیک ... شدیم " و چند خط بعد در رابطه با حرکت ضد امپریالیستی تود مهاو برخورد هیئت حاکمه با آن آمده است " در این بین حرکت ضد امپریالیستی مردم کاملاً آشکار و شگفتند است بنا بر این در مرحله کنونی که تضاد درون حاکمیت تشدید گشته و ناصله گیری تود مها از حاکمیت رو به اوج گداشته است " درست بر این اساس برای تحکیم حاکمیت از تمایلات ضد-امپریالیستی تود مها سوء استفاده شده و آگاهانسه می گویند که احساسات تود مها را به انحراف بکشاند و " در این چند روز اخیر دیدیم که آنها تمام سعی خود را در این امر گذاشته اند که تمایلات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی تود مها را به خدمت بگیرند تا تضادهای درون حاکمیت را بیخ خود تمام کرده - حمایت موقتی تود مها را با شور آفرینی و جواهری های مانند نوحه خوانی و سیئه زنی در جهت تصویر - قوانین ارتجاعی غیرگان بکار گرفته و در ضمن توله - ها را با به انحراف کشاندن جهت مبارزانشان در خدمت خود بگیرند " در این اعلامیه در مورد حرکت امپریالیسم آمریکا در رابطه با ایران و رابطه هیئت حاکمه با آن آمده است : " ... خلق هشیار ما می دانند و بد رستی آگاه است که حرکت ناوگان دریای -

تیرتوس صفحه قبل

الیه این برخورد به بخشی از مواضع سازمان چریکها است و بطور اصولی نباید آنها را سایر مواضعشان جدا کرد ما بعد از ادامه بحث خود و رابطه میان جنبه های مختلف مواضع آنها خواهیم پرداخت و علت تفرقات بوجود آمده در همین مواضع آنها را توضیح خواهیم داد .

ش آمریکا یک مانور غیر واقعی و یک تهدید توخالی است ... علاوه بسیاری از مردم ما می دانند که هیئت حاکمه که شامش تا این حد با امپریالیسم گره خورده است اجازه نمی دهد که تجاوز نظامی امپریالیسم به خاک کشورمان راه آسانی باور کنیم ... به خلقمان هشدار می دهیم که یگانه شیوه دخالت آمریکا در ایران و تنها شکل حراست مناطق غارتگران پیاده کردن کلاه سبزهها و تفنگداران دریایی آمر -

کامیسی تیمست سیاستهای امپریالیسم با ما امروز که پیوند غارتگران داخلی و خارجی همتر ، بر سرود ثرو بسی خطرناکتر است " چند خط بعد ادامه می دهد " خلق ما باید برای مقابله با تمامی دسیسه های امپریالیستها و سربردگان مستقیم و نیز کسانی که ظاهراً ضد امپریالیستند ولی از طریق سرکوب کارگران و زحمتکشان خادم واقعی آنها هستند ، آمادگی زبیر خود را حفظ نماید کسانی که می خواهند از ناوگان دریایی آمریکا ، غولی بسازند و تمامی همتها را به انحراف بکشاند و حمایت مهنوی تود مها را جلب کرده و پیا - فریب توده های ما ، خواسته های ارتجاعی خود را تحمیل کنند ، نمی توانند در صفوف خلق قرار بگیرند " در این شرایط تاریخی ... خلق روزنده کرد ... اجازه نخواهد داد با فریب افکار تودهای ایران ، تمامی مسائل را هیئت حاکمه تحتالشعاع حملات موهوس آمریکا قرار دهد ... " در آخیر اعلامیه سازمان چریکهای فدائی شاخه کردستان به مشخص کردن موضع خود راجع به جناحهای هیئت حاکمه و برخورد مدافعان در زمین طبقه کارگر و تود مها در مقابل آن می پردازد و می نویسد : " در همین حال اعلام می کنیم که در مبارزه ضد امپریالیستی صف ما از موضع دو جریبان مدعی مبارزه با امپریالیسم بروشنی جدا است . نخست از آن جناح از حاکمیت که در ضمن مخالفت با امپریالیسم به ملت ماهیت ارتجاعی و تشری خود صد چندان بسه سرکوب کارگران و زحمتکشان و هواداران آنها میرسد -

از دوازده تالیلات و احساسات اصیل خود مها بر ضد
امپریالیستها برای تحکیم پایه‌های قدرت خود و -
سرکوب رنجبران سو استفاده می نماید - و نیز مو-
ضع ما مشخصا در مقابل آن مدافعان دروین طبقه
کارگر و مردم و توده قرار دارد که با شارلاتانیس
و هوس بازی مبارزات ضد امپریالیستی خود مها را -
ضحرف ساخته و به بهانه ضد امپریالیستی بودن این
جناح از حاکمیت ، ضد کارگر بودن آنها لاپوشانی
می کند و حزب توده ایران این به اصطلاح مدافع
طبقه کارگر ، با سیاستهای ضد کارگری خود در عمل
خادم تر از سرمایه داران به سرمایه اری است . آنها
خود را در صف خلق جا زده و از پشت خنجر چینه
آنها به بهانه حمایت از موضکی به اصطلاح ضد
امپریالیستی هیئت حاکمه از گاه کوه ساخته ، آتش
طبقات را تبلیغ نموده و خود مها را به تطاهرات -
صنوی و خنده آمیز فرا می خوانند و به جای مردم
برای مردم قطعات مونیاتیوا درین کنند . آنها از پیرو
امپریالیسم مترسکی ساخته اند برای آتش طبقات و
برای تن دادن به حکومت سرمایه داران ، برای بقا -
موش سیردن آلفیهای دیکراتیک پایمال شده در
ایران و حق خود مختاری خلقها . آنها بر باور خود -
ها مکارانه نشستند و صلح دوستی و آتش طلبی
سازشکارانه را تبلیغ می نمایند . آنها خادمین
سرمایه داران در صفوف خلقهای ستم دیده و کارگران
و رنجبران ایران هستند . تاکیدات دو خطی از متن
اصلی و تاکیدات با یک خط از ماست .

به این ترتیب مشاهده می کنیم که شاخه کردستان
سازمان چریکها به خلق کرد هندار می دهد که
نریب جناح ظاهرا ضد امپریالیست * هیئت حاکمه
که دارای * ماهیت ارتجاعی و تشری * است و برای
تحکیم پایه‌های قدرت خود و سرکوب رنجبران از
تالیلات و احساسات ضد امپریالیستی خود مها سو *
استفاده می کند بخیر ، تهدید آمریکا واحدی تلقی

نکند زیرا شافع هیئت حاکمه با امپریالیسم آمریکایی
گروه خورده است و بنا بر این تنها شیوه دخالت
آمریکا پیاده کردن سرباز در ایران نیست و امپریا -
لیستها از طریق پیوند با فارنگران داخلی بهتر به
مقصود می رسد . و بالاخره اینکه کسانی که به بهانه
موضکی به اصطلاح ضد امپریالیستی هیئت حاکمه
از گاه کوه می سازند آتش طبقات و ... را تبلیغ
می کنند ، خادمین سرمایه داران در صفوف خلقها و
کارگران ایران هستند

آغاز نسوستان

اتخاذ این مواضع در شرایطی است که هنوز گروه
براست سازمان چریکهای فدائی خلق در پی مجاو
طبقاتی ای که در جامعه جریان دارد و در هر مرحله
از روند حرکت افسانه‌ها و واقعی نیروهای سیاسی
مختلف جامعه را بر ملا می کند . در تمام جوانب و به
طور کامل در تمام بدنه سازمان انعکاس پیدا نکرده
و تثبیت نشده بود .

شاخه کردستان هنوز در هوای شش رادیکال
(هر چند غیر بولوتی) گذشته بود و سازمان خود
را پیشروترین و انقلابیترین سازمانها به حساب می آورد
و سوار بر مرکب پیروزی آنها بکه تا زمان مبارزه میدید
اعتدالی انقلابی و جو بالایی مبارزاتی موجود در کرد -
ستان هنوز اجازه نداده بود نظرات جدید روز -
پوینستی رهبری در این بخش سازمان جذب شود
و از آنجایی که آنها به تبعیت از رهبری سازمان نخواهند
فتوانستند ؟ شور انقلابی خود را با نوشیدن از سر چشمه
تنوعهای زوال ناپذیر بر مارکسیسم - لتنینیسم
با شافع طبقه کارگر و توده‌های زحمتکشان پیوند دهند
و سمت حرکت خویش را بسوی آرمانهای طبقه کارگر
بگردانند ، ذهن خود را از تفکرات غیر و ضد بولوتی
بالا بکشند ، پس به ناچار تفکر شبه مارکسیستی
خود را در معرض تنویرها و نظرات روز پوینستی

**رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی انقلاب دیکراتیک ضد امپریالیستی
خلقهای ایران است**

(بوزواش و خرد و بوزواش) قرار دادند و سمت حرکت خویش به سوی طبقات غیر پرولتر را حفظ کردند و بالاخره در پیج تندی از مبارزه طبقاتی و قدرت نمایی خرد و بوزوازی، دچار سرگیجه شده و مقهور حرکت آن شدند. آنها یکباره خود را مواجه با مسئله‌ای که تا حدی "نازگی" داشت و تغییری در مسیر حوادث که کمی غیر منتظره و پیشینی نشده بود و سرمونی و برای مدت کاملاً کوتاهی منی اصلی شکامل را تغییر سیر داده بود... می‌بینند و شمار "هدف نهایی هیچ ولی جنبش همه چیز" (برنشتین) را سر می‌دهند و به ناچار "سیاست روزیونیستی" (که عبارت است از تعین روش خود از واقعهای تا واقعه‌گد یگر، تطبیق حاصل کردن با حوادث روز و با تعیرات وارده در جزئیات سیاسی، فراموش کردن منافع اساسی پرولتاریا و

خصان اصلی کلیه سرمایه‌داری، ندادن این منافع در مقابل منافع آبی، واقعی یا فرضی" را در پیش می‌گیرند. به این ترتیب رویه‌ای که از این بی‌مدت‌شاکم کردستان چپ‌کهای فدائیان خلق در پیش می‌گیرد همان است که لنین بطور درخشانی راجع به روزیونیسم و روزیونیست‌ها تصویب می‌کند. توجه کم "زیگای گل" شماره ۱ به تاریخ ۲۶ آذر ۵۸ در رسر مقاله خود میگوید "روحانیت‌حاکم که همان مبارزه ضد امپریالیستی را بدست گرفته پس کوند از این مبارزه جهت تثبیت مواضع خویش در مقابل سایر قطبهای حاکمیت و تخفیف بحران اقتصادی - سیاسی استفاده کند، بنا به ماهیت خود تا بهگیری، تزلزل و دوگانگی در تمام حرکات آن به چشم می‌خورد. در چند سطر بعد "این وضع (خصر صیات خرد و بوزوازی سنتس و حاکمیت سرمایه‌داری وابسته در ایران - توضیح از

"نقل به معنی از مارکسیسم روزیونیسم - لنین یک جلدی ص ۳۳

"مارکسیسم روزیونیسم (تاکید از راست)

ساست) نشان میدهد که چرا آنها از انجام یسک مبارزه ضد امپریالیستی اصولی ناتوانند و همچنین وحشت زده از مبارزه انقلابی کارگران و... شکست انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی را از قبیل

تضمین کرده‌اند"

"زیگای گل" شماره ۳ به تاریخ ۱۵ دی ۵۸ در مقاله "مبارزه ضد امپریالیستی و جنبش مقاومت خلق کرد" می‌نویسد "بخش عمده حاکمیت، علیرغم مواضع ضد امپریالیستی خود به هیچ وجه دارای ظرفیتی نیست که این مبارزه را در جهت منافع واقعی کارگران دهقانان و سایر اقشار خلق به پیش براند، زیرا خرد و بوزوازی گرچه با سرمایه‌داری انحصاری در تضاد است ولی اساساً خواهان نابودی سیستم سرمایه‌داری نیست"

تا اینجا "شاهه کردستان" هنوز در حال نوسان است. به عبارت دیگر در حالیکه نسبت به مواضع اعلامیه "چه کسانی ضد امپریالیستی واقعی هستند" دچار تردید و تزلزل شده است، ولی به نول معروف گاهی به میخ و گاهی به نعل می‌زند. "مذعیان مبارزه ضد امپریالیستی" که "ظاهرا ضد امپریالیستند" و نمی‌توانند در صفوف خلق فرار بگیرند. اعلامیه چه کسانی ضد امپریالیستی واقعی هستند به تاریخ ۳ آذر ۵۸ در ۱۵ دی ۵۸ دارای مواضع ضد امپریالیستی می‌شوند. هر چند از مبارزه ضد امپریالیستی اصولی ناتوانند و دارای ظرفیت پیشبرد این مبارزه در جهت منافع واقعی کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلق نبوده (دیگر این چه مبارزه ضد امپریالیستی است؟! و خواهان نابودی سیستم سرمایه‌داری نیستند!

تیمیدیل نوسان پیکار در راه آزادی

ولی روشن است که این موضع نوسانی و بی‌تابی نمی‌توانست زیاد دوام آورد و بایستی به سود موضع انقلابی و مارکسیستی و یا موضع روزیونیستی و روزیونیستی

شکسته میشد - چنین نیز شد هر چند این امر متأسفانه بطور مطلق (در روندی که حرکت سازمان چریکها به خود گرفته بود) بنفع موضع رفرمیستی رویزونیستی انجام گرفته "ریگای گمل" شماره ۱ مورخ ۲۹ دی ۵۸ در مقاله "چرا از برقراری صلح در کردستان دفاع نمیکنیم؟" موضع رهبری سازمان (در واقع گرایش رویزونیستی سازمان) را پذیرفته و بنا بر آن نظر موجود در مقاله "چرا مرکز جاسوس ۰۰۰" مندرج در کار ۳۵ چنین میگوید: "اعتقاد داریم مبارزه موجود میان خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال بعنوان پایگاه امپریالیسم (۱) برخلاف تصور اپوزیسیون چپ صرفاً یک مانور و تاکتیک جهت فریب تودهها و تحکیم مواضع حاکمیت نیست ۰۰۰ این مبارزه هم اکنون تودهها وسیع زحمتکشان را بیدار کنانیده و آگاهی سیاسی آنها را وسیعاً رشد داده است ۰۰۰ در همین حال طبقه کارگر طبقه است تا آنجا که خرده بورژوازی گرایش ضد امپریالیست از خود نشان میدهد در مقابل لیبرالها از او حمایت نماید" (تأکیدات از ماست) البته مقاله متذکر می شود که طبقه کارگر باید استقلال خود را حفظ کرده "و دمکراتیک خود را نباید با ایدههای مه آلود خرده بورژوازی درهم آمیزد"

واقعاً چه گذشت که شاخه کردستان در اعلامیه ۳ آذر ۵۸ خود بطور صریح روشن و در شماره های او ۲ "ریگای گمل" بطور ضمنی و خجالتی حرکت جناح خرده بورژوازی حاکم را، برای تحکیم حاکمیت و فریب تودهها و سرکوب آنها می نمود و از سو استفاده ده آن از تمایلات و احساسات ضد امپریالیستی تودهها صحبت می کند ولی یکباره (یکباره ۲) در ریگای گمل شماره ۴ در ۲۹ دی ۵۸ این نظر را "اپوزیسیون چپ" قلمداد می کند و از حمایت از خرده بورژوازی که حرکت آن باعث بالا رفتن آگاهی سیاسی تودهها شده است دم می زند - اگر این مسئله برای خود تودهها بیان روشن نیست برای مارکسیست - لنینیستها روشن

است ۰ شاخه کردستان چریکهای فدائی خلق بسبب تبعیت از رهبری (جریان رویزونیستی درون سازمان) "با حوادث روز و با تحولات وارده در جزئیات سیاسی تطبیق حاصل کرده"، دچار "فراموشی" نسبت به منافع اساسی پرولتاریا شده، این منافع را فدای منافع آنی، واقعی یا فرضی نموده است و ۰۰۰ و خلاصه رویه (سیاست) رویزونیستی نبیسه ساخته است ۰ شاخه کردستان گردش برآست را پذیرفته است اما این تمام قضیه نیست "حرکت انطباقی" رویزونیستی شاخه کردستان و اصولاً کل سازمان چریکهای فدائی خلق ارهبری (هنوز کامل نشده است) - هنوز سیاست رویزونیستی و رویزونیسم در تمام جوانب و زوایا و بطور کامل تفکر حاکم بر سازمان چریکها را اشباع نکرده است، هنوز روند انطباقی "ادامه دارد و بسوی "تکامل" ره می بیناید - گرایش بسوی رویزونیستی موجود در سازمان با استفاده از پیچیدگی و تکامل مبارزه طبقاتی درون جامعه "بسیار" زمینه فکری مناسب موجود در بدنه سازمان بطور اجتناب ناپذیر و به سرعت نظرات ضد مارکسیستی و سوسیال دموکراتیک بورژوازی را در سطح کل سازمان توسعه و گسترش می دهد - سنگیری طبقاتی سازمان چریکهای فدائی خلق روشنتر و روشنتر می شود - به دنبال چندین ماه که از "تدبیج" روند مبارزه طبقاتی (اشغال سفارت و جریانات بروجو آمده در ادامه آن) میگذرد، تلاطم موجود در بطن جامعه ظاهراً فروکش می کند و اوضاع کمابیش به شکل عادی بر میگردد - سازمان چریکهای فدائی خلق ترجیح بند جدیدی پیدا می کند: مبارزه علیه لیبرالها به عنوان دوستان و جاسوسان امپریالیسم و پایگاه هند و برقراری سلطه آن در ایران و نسبت دادن هرگونه حرکت - منظور وجود نقطه نظرات و گرایش رویزونیستی در سازمان از گذشته دامن زدن بیشتر از طرف - رهبری در طول مدت اخیر است ۰

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

شد انقلابی و ارتجاعی به آن در کنار این ترجیح بشد حمایت از مبارزه ضد امپریالیستی خرد و بورژوازی حاکم و تطهیر تمام حرکات ضد خلقی و ضد انقلابی آن. اما روشن است که تلاطم و مبارزه طبقاتی در سطح جامعه ادامه دارد و باز به شکل دیگری در سطح آن ظاهر می گردد و سازمان چریکهای فدائی خلق نیز دوباره دچار تلاطم و نوسان میگردد. نگرانی که بر ضد آنها ن حاکم است و سیاستی که ایشان دنبال می کنند نمی تواند همان مبارزه ضد لیبرالی را نیز از دیدگاه پروتاریا به پیش ببرد و در فراز دیگری از حوادثی که بصورت در جامعه شکل می گیرد ماهیت واقعی خود را نشان خسروا داد نشان خواهد داد که مبارزه " ضد لیبرالیستی" ضد آنها چیزی جز هیاهو و سر و صدائی بیش نیست و تنها پوششی است برای گردش به راست آنان.

تلاطم و مبارزه طبقاتی ادامه می یابد و رژیم حاکم برای تثبیت خود به چاره جویی های جدیدی متوسل میگردد. توهم توده ها به سرعت شکسته می شود در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای تعداد رای دهندگان به نصف می رسد. در کردستان توده ها هر روز بیشتر آگاه و متشکل می شوند و مبارزه انقلابی شان گسترش می یابد رژیم هر گونه پایگاه مردمی خود را در آنجا از دست کمی دهد. در ترکمن صحرا دهقانان از طریق شوراهای خویش ها کمیته انقلابی شان را افعال می کنند. دانشگاه به سنگره بلانژ نیروهای انقلابی و کمونیست تبدیل می شود مبارزه طبقه کارگر و سایر اقشار شهری باز هم گسترش می یابد. هیئت حاکمه ناتوان از حل بحران سیاسی- اقتصادی حاکم در جامعه و درگیر با تضاد های درونی (میان جناحهای آن) و تضاد های بیرونی (اختلافات با امریکا در نتیجه مسئله گروگانها) به دنبال سرکوب مبارزات رشد یافته توده ها و یافتن ابزارهای جدیدی برای حفظ توهم توده ها و کشاندن آنها به دنبال خویش جهت تثبیت موقعیت خود است. اولین قدم با سرکوب خلقی ترکمن توسط هیئت حاکمه برداشته

می شود سازمان چریکهای فدائی خلق به سازماندهی جهت مقاومت در مقابل یورش ارتجاعی هیت حاکمه دست نمی زند و بعد هم توده ها را با یک ضابطه و تلویزیونی دلخوش می کند و ملتسانه از بن صدر خود همان معرفی عاملین قتل رهبران خلقی ترکمن می شود. هیئت حاکمه قصد برداشتن گام بعدی را در کردستان دارد. اما اینجا به سادگی ترکمن صحرا نیست باید برای آن تدارک دید. ابتدا تحریکات شروع می شود و فاجعه " فلاتان" آفریده می شود. ارتش دست به نقل و انتقالات می زند. و بالاخره بهانه مناسب بدست می آید. اختلافات با عراق بالا می گیرد و هیئت حاکمه آگاهانه به آن دامن می زنند تا از این طریق اولاً ذهن توده های مردم در سرا سر ایران متوجه " تجاوز عراق" گردد و ثانیاً توجه مناسبی برای حمله به کردستان تحت پوشش مقابله " با تجاوز عراق" بدست هیئت حاکمه می افتد. به این ترتیب یورش جدیدی که از بدتها پیش تدارک دیده شده بود به اجرا در می آید. اما لازم بود دانشگاه کمبایستی بطورکلی پاکسازی شوند و برنامه آن از بدتها پیش ریخته شده بود فوراً سرکوب شود تا صدای رسایی برای اعتراض به کشتار و سرکوب خلقی کرد بلند نشود. در این بین تجاوز هلن کویترهای آمریکا به خاک ایران و برنامه توطئه گرانه آنها برای ربودن گروگانها ابزار تبلیغاتی دیگری در دست هیئت حاکمه قرار می دهد تا ذهن توده ها را بهیچ وجه و ضد خلقی خویش در مقابل جنبشها روح یافته خود توده ها بکشاند. همین وقایع و جزئیات بر بیشتر تلاطم و مبارزه طبقاتی موجود در جامعه فراز دیگری از روند حرکت انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما و صف بندی و تطبی بندی نیروهای سیاسی فعال در آنست. در این فراز دو موقفه برجسته و چشمگیر است. از یکطرف انقلاب و توده های انقلابی بورژوازی و خرد بورژوازی حاکم را به هراس می انداختند و این حاکمان برای حفظ موقعیت و منابع طبقاتی

خوشروسیما برای ممانعت از حرکت انقلابی جامعه و سرکوب آن طرح ریخته با استفاده از هر وسیله ممکن طرحشان را به اجرا گذاشته و می‌گازند. از سوی دیگر میان حکومت و نیروهای خارجی (آمریکا و عراق) اختلافات بالا گرفته و تهدید هائی از جانب آنها متوجه این حکومت شده و ظاهراً ایران در آستانه تهدید نوری و آبی آنها قرار گرفته است. در این میان حکومت آگاهانه و در خدمت برنامه خوش در اطراف این تهدیدها " سرودها به راه انداخته و با تمام قوا آنها را بسیار بزرگتر از آنچه هست نشان می‌دهد. در این بین " حزب توده " نیز با هدف مشخص هل دادن هیئت حاکمه بسوی شوروی و بلوک شرق و زمینه سازی تفرق در میان مردم در این رابطه با تمام وجود در بوق تبلیغاتی خوش می‌دمد و نسبت به خطر آمریکا لایق قطع هشدار می‌دهد. در چنین اوضاع و شرایطی که باز پیچش در حرکت تاملیم جامعه پیدا آمده است " حرکت انطباقی رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق با هم " تکامل می‌یابد. در فراز دیگری از این حرکت ابتدا نشانه‌ها بروز می‌کند و این نشانه‌ها در شکل‌گیری خویش در نقطه‌ای بجزغش نوین به طرفه راست و بسوی روزیو- نیسم تبدیل می‌شوند و تبلور خارجی می‌یابند. البته در این میان بطور طبیعی همچنان نوسانات و گنج - سری‌های موجود در نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق به وجود خود ادامه می‌دهند که در همین حل بیانگرم یکدست و یگانگی خط مشی سازمان چریکهای فدائی خلق است. اما روشن است که نظرات حاکم و روندی که نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق طی می‌کند، همان " حرکت انطباقی " است و سمت گیری آن بسوی روزیو نیسم هیاتر می‌شود.

در اواخر سال گذشته (۶۸) و اوائل سال جدید ترجیح بند سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با هیئت حاکمه عبارت است از اقصای دست

و جاسوسان امپریالیسم در هیئت حاکمه که خواهان ممانعت از مبارزه ضد امپریالیستی و کند کردن آن هستند و در رابطه با کردستان اقصای محافل جنگ امروز که می‌خواهند جنگ دیگری را به خلق کرد تحمیل کنند. البته این دوستان و جاسوسان امپریالیسم در هیئت حاکمه علی‌المیسم همان " محافل جنگ امروز " هستند. دوستان و جاسوسان امپریالیسم " محافل جنگ امروز " را اعلامیه شاخه کردستان به مناسبت فاجعه " قتلان " بتاريخ ۶۹/۱/۷۷ اینگونه معرفی می‌کند " اینک شواهد و مدارک زیادی در دست است که نشان می‌دهد که نوکران امپریالیسم که در درون " شورای انقلاب " ارتش و پاسداران جاسو خونیگوندانند، جنگ خونین دیگری را به خلق ما تحمیل خواهند کرد " و در همان اعلامیه اضافه می‌کند " توطئه‌های امپریالیستی در کشور روز به روز ایجاد گسترده‌تر می‌یابند. تحمیل مجدد جنگ به خلق کرد یکی از این توطئه‌هاست آنها می‌خواهند مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان را منحرف کنند تا بیش از این بازگانه‌ها، بهشش‌ها و خامنه‌ای‌ها و مدتی‌ها و ۰۰۰ این جاسوسان امریکایی برای مردم آتش نشوند.

در " خبر " نشریه دفتر ستندج شماره فوق‌العاده در خبر مربوط به ستندج بتاريخ ۶۹/۱۱/۸ محافل مذکور را اینگونه معرفی می‌کند: " ۰۰۰ به تحریک شورای انقلاب (این ارگان سرمابعداران وابسته به امپریالیسم) فریاد هان مزدور ارتش ضد خلقس و قشریون مرجع، پاسداران و جانشینا به کامیاران ندر جوش برده و ۰۰۰ به اشکال مختلف می‌کوشند جنگ دیگری را به مردم ما تحمیل کنند.

آنچه فدائیان در نقل قولهای فوق می‌خواهند بگویند اینست که جناحی در هیئت حاکمه است که دوست و جاسوس امپریالیسم است و خواهان برآموردن جنگ در کردستان است. طبق ترجیح بنسبت

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

"فدائیان" در این دوران مبنی بر ضرورت انشای لیبرالها بعنوان پایگاه همه امپریالیسم، این جناح همان جناح بورژوازی هیئت حاکمه است.

جناح دیگری نیز وجود دارد که دوست و جاموس امپریالیسم و جنگ افروز نیست که منطقی (منطق فدائیان) بایستی جناح خرد بورژوازی حاکم باشد. ما فعلا به این نمی‌پردازیم که از فدائیان بیرسم نمایندگان سیاسی خرد بورژوازی صلح طلب، بهیچرا از خمینی در حکومت چه کسانی هستند و چرا آنها را معرفی نمی‌کنند و منظور از "تشریح" یون مرتجع (ضد امپریالیست؟) چه کسانی هستند و چگونه نوکران امپریالیسم در شورای انقلاب (و "دولت") ارتش و پاسداران جا خوش کرده‌اند یعنی همان امور را در دست دارند ولی "خرد" بورژوازی در حکومت دست بالا را دارد. مسأله فعلا از این آشفته فکری و گیج سری و ابهام‌گویی می‌گذریم تا ببینیم مواضع سازمان چریکهای فدایی خلق چگونه میر می‌کند و روند "انقلابی" آن به کجا می‌رسد.

چگونه کردش به راست به "انقلابی" کما مصل نرد یک می شود.

نگاهی به شماره‌های مختلف کار در اواخر سال ۵۸ و اوائل سال ۵۹ نشان می‌دهد که بتدریج نظرات سازمان چریکهای فدایی خلق بیش از پیش از موضع انقلابی تهی می‌شود و رنگ مارکسیستی سابق خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر نظرات فوق هر چه بیشتر بسوی تحریف واقعیات و وارونه جلوه دادن آنها در رابطه با هیئت حاکمه و ماهیت و عملکرد آنها در نتیجه تبلیغ آنتی-طبقاتی سوق پیدا می‌کند. انشای "دوستان و مبارزه ضد امپریالیستی و جنبش مقاومت خلق کرد"

جاسوسان امپریالیسم و "مخالف جنگافروزی" و لیبرالها (با همانضمونی که در انتشارات انقلابی شده بود) کم کم رنگ می‌بازد و به یکسری انتقاد هلی آبی و تمسحتهای لیبرالی به هیئت حاکمه کشیده می‌شود و به موازات آن استهلالات نوع حزب توده‌ای شکل هر چه آشکارتری در نوشتههای آنها پیدا می‌کند. آن نیروی اصلی سرکوب کننده انقلاب و نیروهای انقلابی دیگر نه هیئت حاکمه و نه حتی "دوستان و جاسوسان امپریالیسم" و "جناحهای جنگ افروز" بلکه دستجات پالیزیان و اوس و "یابا" و ایستگان به عراق "معرض" می‌شوند و تهدید واقعی برای شکست انقلاب و برقراری سلطه کامل امپریالیسم نه ناشی از عملکردها و برنامهای گروه اول بلکه مستقیما و جدا از واقعیات موجود در جا - معه و حرکت هیئت حاکمه از جانب گروه دوم و تلاش های مذبحخانه آنها نشان داده می‌شود.

کار ۱۷/۵۲ اردیبهشت رسوای نمود تحت عنوان "دسیسهای آمریکا و دوستان و جاسوسان آن‌ها" وسیعتری می‌گیرد. "دیگر کوچکترین صحبتی از شورای انقلاب و رئیس‌جمهور به عنوان دوستان و جاسوسان آمریکا نمی‌کند. در این نوشته صحبت از حرکت امپریالیسم آمریکا برای "بفکندرت رساندن دوستان و جاسوسان خود" میشود و تنها از "فعالیتها و اقدامات نفاق افکنانه حزب جمهوری اسلامی و سایر مخالفی که خون شهیدای خلق را وثیقه آرمانهای فرصت طلبانه و قدرت طلبی خود قرار داده‌اند" گله می‌کند و می‌گوید "این مخالف به جای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمنی با انقلابی دانشجویان را به خون می‌کنند".

به جای انشای دسیسهای دشمنان مشترک همه مردم، یعنی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن علیه نیروهای انقلابی. "به هر اقدامی دست می‌زنند. "واقعا رهبرای فدائیان" خود می‌دانند چه می‌گوید و دیروز چه گفته است.

دوستان و حاموسان (با به قول شاخه کردستان نوکران امپریالیسم) که در دوران شورای انقلاب ارتش و پاسداران حا خوش کرده بودند و شوروی انقلاب که "ارگان سیاسی سرپایه ازان وابسته به امپریالیسم" بود، بهر چگونه امپریالیسم می خواهند دوستان و حاموسان خود را قدرت برسانند؟ چگونه شد که دوستان و حاموسان و نوکران امپریالیسم فقط نفاق افکنی می کنند و به فکر آرمانهای فرصت طلبانه و قدرت طلبانه هستند؟ چگونه مارکسیستها "اصولی" ما از "دوستان و حاموسان و نوکران - امپریالیسم" خواهان مبارزه با امپریالیسم آمریکا و اوشای دشمنان مشترک همه مردم شدند؟ اگر از این همه آشفته فکری و گیج گیری در واقع از این همه اپورتونیسم بگذریم که چگونه رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق بیرون کوچکترین توضیح و انتقاد از خود هفته به هفته مواضع خود را عوض می کند و به روی مبارک خود هم نمی آورد باید بگوئیم این مواضع نوین چیزی جز بیان تعدیق گرد شده راست و انطباقی باز هم بیشتر نشد، و مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق بر رویزیونیسم و فرمایشیست در شواهدی که هیئت حاکمه با تمام قوا به سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی پرداخته و خود ش دست امپریالیسم آمریکا و عوامل رنگارنگ آن را برای تجاوز و توطئه باز گذاشته است و در خدمت اهداف آن قرار گرفته است در سراف - لعابیکه راجع به اوضاع جامعه نوشته شده کوچکترین افشاگری راجع به واقعیات جامعه نیست و سرافالده با حملات کشنده از مهب و برخورد های به غایبست آتش طلبانه و سازشکارانه با هیئت حاکمه ضد خلقی می گوشت تصویر خندوشی در ذهن تودما از اوضاع جامعه و صفاتند بیبای د روی آن ترسیم کند .

این چنین رهبری سازمان چریکهای فدائی خلقی گام به گام به سوی رویزیونیسم نزدیک می شود و لسی انعکاس آن در همه بدنه سازمان یکسان نیست . شام

خه کردستان سازمان هنوز کاملاً خط رهبری را جذب نکرده و بعلاوه جنبش مقاومت و مبارزه انقلابی موجود در کردستان در مقابل این سرکوب و وحشیگری هیئت حاکمه در کردستان ، اجازه نمیده "فدائیت" در کردستان بتوانند مواضع آشکارا سازشکارانه و آتش طلبانه رهبری سازمان را ضعیف کننده نگاه می به خیرنامه های خنندج و سباباد طی دورانی که جنگ به شدت در کردستان جریان داشت مسئله را روشن می گرداند .

خبر شماره ۷۲ خنندج به تاریخ ۵۹/۲/۸۶ می - نویسد "شورای ضد انقلاب و رئیس جمهور خنندج طلب با پیبودن راه درازی که خود در پیستش گرفتارند . . . اکنون . . . به سفسطه و توجیه روی آورد مانند" خبر شماره ۷۰ خنندج مورخ ۵۹/۲/۱۴ مینویسد "آنها فرماندهان جنگ امروز مسئولین جنگ طلب سلطت - توضیح از ماست) سیاست هجوی و جفاقی را بکار بستند ، عده میدهند و سرکوب می نمایند ولی خلق آگاه کرد را نین تسوان فریب داد مردم ما فریب و نیرنگ این حاکمین و عوامل وابسته به امپریالیسم را جوی درک کرد مانند "

خبر شماره ۶۴ خنندج (۵۹/۲/۸) مینویسد "خلفهای میهنمان اکنون به جوی به ماهیت ضد خلقی شورای ضد انقلابی عوامل امپریالیسم می برد مانند "

خبر شماره امپاد بتاریخ ۵۹/۲/۸ مینویسد "بنی صدر و شورای انقلاب و دیگر دوستان و حاموسان امپریالیسم با دسیسه جینی سمت مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را تغیر داده و . . . و چند خطر حد اضافه می کند " اینک بنی صدر و شورای انقلاب قدم در راه شاه نهادند "خبر شماره ۵ امپاد بتاریخ ۵۹/۲/۶ در خبر راجع به طبع می نویسد :

"نوکران و وابستگان به امپریالیسم که از عادی گردن راجعه با امپریالیسم آمریکا نا امید شدند و . . . با توطئه جینی طرح حمله به دانشگاه امپا ، نیروهای

بسر قسار آباد جمهوری دموکراتیک خلق

انقلابی را بدست آید. حزب جمهوری اسلامی
به مورد اجرا گذاشته و به شرف کردن مبارزات

فداییان را به پیشانی برداختند. (تاکیدات همه جاس
از ماست)

مثل اینکه شاخه کردستان سازمان چریکهای
فدایی خلق هنوز "نمی دانسته" رهبری سازمان
دست از "چپ روی" برداشته و دیگر نباید از شوروی
ضد انقلاب با ماهیت ضد خلقی بعنوان جاسوسان -
و دوستان امپریالیسم که قدم در راه شامگاه اند
اند و علیه نیروهای انقلابی و مبارزات خلقها توطئه
میکنند و مبارزات فداییان را به سوی
انحراف می کشانند صحبت نمود و فقط بایستی از
"نفاق افکنی" های حزب جمهوری اسلامی گلجه
کرد. آنها را محترمانه نصیحت کرد که چرا با
امپریالیسم آمریکا مبارزه نمی کنند و دسیسه های
دشمنان مشترک مردم را افشا نمی سازند. شاخه
کردستان هنوز "مغرض نشده" که رهبری سازمان بسوی
در حال تکمیل "انطباق" حرکت خود (با رونیو-
نیس) و نشان دادن آتش طبقاتی بجای مبارزه
طبقاتی است.

اما این "بی توجهی" و "عدم اطلاع" زیاده
طول نخواهد کشید. رهبری سازمان با یک چرخشی
آشکار که دیگر هر بجه در سمای نوزیوجه آن خواهد
شد و پشت سر گذاشتن نقطه عطفی در حرکت خود
بسوی رونیو نیس، شاخه کردستان و همه بی خبرانی
را متوجه فطرت خود در رژیم و رونیو نیس
خواهد ساخت. ظاهراً "شرایط مناسب" بسوی
انجام قطعی گردهم رفته است. **بهره‌واری لیبرال و نمایندگی مکار آن بی‌صدر در باغ
سوزندگان داده است و قولهای صاعده‌ی در
صورت به "سوزل آمدن" به "رهبران" داده است
بعلاوه فشاری سرکوب حکومت تاب "پروتری" از رهبران
پخش می‌دهد جنبش کمونیستی "ما را طاق کرده -
است و آنها را از "درگن‌های بهبود" و "گشت
های خیره کننده" محسوس کرده است. آنها از**

این جو "خصوصیت" وجدال مداوم به تنگ آمدن
و خواهان محیط "صلح و صفا" و "مبارزه ضد-
امپریالیستی" متعده‌انه همه نیروها هستند. و در
واقع تزلزل و ناپایداری و ماهیت منس و نفکر خود
و با نگاه و خواستگاه طبقاتی خود را در مبارزه
سخت طبقاتی نشان می‌دهند.

و دیدیم چندین جنبش فدایی
نگذشت که "کار" ۵۹ پروژه در مقالات "برای
مقابله با امپریالیسم آمریکا اتحاد همه زحمتکشان
یک ضرورت تاریخی است (سرمقاله)". "سخنان
رئیس جمهور و تلاشها برای استقرار صلح عادلانه
در کردستان" و "کارگران باید با افزایش
تولید و بهره‌وری کار مانع تبلیغات نفاق انگانه
دشمنان خود شوند" نقطه عطف و حرکت "انطباق"
سازمان چریکهای فدایی خلق و حاکمیت جریسان
رونیو نیستی در این سازمان را اعلام نمود
و فاصله یک هفته در حرکت عطفی سازمان چریکهای
فدایی خلق در ارتباط با کردستان در انتشار
پیام مشترک با حزب دمکرات کردستان و مواضع
بنیادین تسلیم طلبانه و انحرافی آن مشهور گردید.
سازمان چریکهای فدایی خلق در پیام مشترک "کار"
۵۹ پرچم سفید تسلیم و سازش را به اهتزاز در -
آورد و همه نیروهای ضد انقلابی و ارتجاعی از
هیئت حاکمه گرفته تا "حزب توده خائن" را به
شوق و شمعف واداشت. "حزب توده" دورنمای
"روشنی" را در مقابل خویش مشاهده نمود
و با تمام قوا به دفاع از "دستاوردها" نیس
سازمان چریکهای فدایی خلق و "تحقیق" آن
بلند شد.

رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق
در حرکتی شتابان
بسوی "حزب توده"

ما برای نشان دادن اینکه رهبری سازمان چریکهای
فدایی خلق با روی آوردن به بی‌صدران

شاخه حمایت از خرد، بورژوازی به شاخه حمایت از بورژوازی بریده است و در "نتیجه" مبارزه آن علیه لیبرالها بعنوان دوستان و جاسوسان امپریا - لیسیم چیزی جز هیاهو و داد و نال برای پوشاندن کردنش به راست (بسوی روزیونیم) نبوده است، دیگر وارد برخورد مفصل و مشخص به نظرات "کسار" ۵۱ در ارتباط با کردستان و همچنین "پیام مشترک" نی نیوم، در ادامه مقاله ما تنها بسوی نشان دادن روشنتر ماهیت روزیونستی گرایش چاکم بر رهبری سازمان چریکها که مضمون آن همان سازش با بورژوازی است به مقایسه‌ای میان نظرات اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان با نظرات "حزب توده" در این زمینه می‌پردازیم و در آخر نیز مفهوم "صلح طلایی" و "صلح عادلانه" ای که امروز این سازمان بعنوان ترجیح - بند خود در رابطه با کردستان قرار داده است را در برنو مارکسیم - لنینیسم مورد بررسی قرار خواهیم داد.

"حزب توده" به سباق همینگی خود و به دلیل ماهیت ارتجاعی همواره کوشیده و اطمینات را وارونه یا سخدوش جلوه دهد تا ذهن توده‌ها را نسبت به دوستان و دشمنان انقلاب منحرف سازد و راه را برای تحقق اهداف ضد خلقی‌شان نماید. برخورد این داور دسته به جنبش مقاومت خلقی کرد و نیروهای

"توضیحات همین مقاله راجع به روند فکری سازمان چریکهای فدائی خلق و همچنین بیانیه کمیته کردستان سازمان ما راجع به "پیام مشترک" به علاوه اعلامیه "چگونه سازمان چریکهای فدائی خلق برای برقراری صلح عادلانه در کردستان تلاش می‌کند؟" (۱) - به حد کافی روشنتر هستند و لزیم تکرار آن نیست و رفا را به این بیانیه (مدرج در پیکار ۱۵۸ و اعلامیه فوق مراجعه می‌دهیم.

سیاسی آن از ابتدا و همواره بر این مبنا قرار داشته و به جرات میتوان گفت هر فرد صادق و مبارزی میتواند به سادگی از روی برخورد آن به مبارزات خلق کسار به ماهیت و منی ضد انقلابی و ضد خلقی "حزب توده" پی ببرد. یکی از آخرین برخوردهای "حزب توده" به اوضاع کردستان و جنبش مقاومت خلقی کرد مقاله "در کردستان چه می‌گذرد" مدرج در "نامه مردم" شماره ۲۵۰ است. در این نوشته نویسندگان آن نوزوانه می‌کوشند و اطمینت مسلم در کردستان یعنی مقاومت و سازش خلقی کرد در مقابل بورژوا سرکوب هیئت حاکمه را بصورت نفعانیت عناصر سرسپرده و سزدران امپریالیسم مانند پالیزبان و - اویسی و وابستگان به رژیم فاشیستی عراق جلوه دهند و سرکوب جنبش مقاومت خلقی کرد را توجیه کنند. یعنی همان تبلیغات ارتجاعی هیئت حاکمه را به خورد مردم می‌دهند. "حزب توده" وفاحت را در این مقاله به اوج رسانده و می‌گوید "امروز کردستان بصورت مهمترین سنگر عملی و منی ضد انقلاب ایران در آمده است" رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق نیز که اکنون مسلم طلایی و سازش را در دستور کار خود قرار داده است، امروز همین تبلیغات ضد انقلابی را البته بصورت خجولانه در کار ۱۱ خود تکرار میکند و در سرمقاله کار ۱۱ می‌گوید "فرماندها" فراری ارتش از قبیل اویسی، پالیزبان به کمک سرما - پداران فراری و امپریالیسم جهانی هزاران (!) مزدور را سازماندهی کرده، تلاش دارند کما بیره - گیری از ناراضی‌هایی که وجود دارد بویژه در بخش - هایی از غرب ایران (کردستان - پیکار) یک پایگاه دائم ضد انقلاب مستقر سازند" (تاکید اتانز ماست) و در چند سطر بعد اضافه می‌کند "بیر چنین زمین‌بایست که سازمان چریکهای فدائی خلقی ایران با احساس مسئولیت تمام و با تاکید بر خطرات جدی که جنبش ضد امپریالیستی ملیونها رهنمون ایران

مارکسیسم - لنینیسم را بیاموزیم و بکار بندیم

" صلح طلبی " رهیرونیستی

۲

صلح از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم

و اما راجع به "صلح طلبی" ای که رهبری "فدائیان" آنقدر از آن دم می‌زنند و اصولاً برخورد مارکسیستها با مسئله جنگ و صلح لازم است مختصری صحبت کنیم. رهبری "سازمان فدائیان" که رسالت رهبری جنبش کمونیستی را برای خود قائل است و از روی "مسئولیت من خواهد" به جنگ در کردستان خاتمه دهد نه از زاویه‌های مارکسیستی و انقلابی بلکه از زاویه "ای رفرمیستی و تسلیم طلبانه با این مسئله برخورد می‌کند". این امر مسلم و روشن است که نیروهای سیاسی فعال در کردستان هیچیک (البته از روایای مختلفاً) خواهان تبرع جنگ در این مقطع نبودند و این هستی حاکمه ضد خلق بود که به دلایلی که فعلاً ذکر کردیم جنگ را بر خلق کرد و نیروهای سیاسی آن تحمیل نمود. اینها "سازمان فدائیان" نیز قلاً بارها و بارها بیان کرده است. بنا بر این تنها یک تغییر می‌توانست که "سازمان چریکها" یا "مسئول" - خواندن خود (و حزب دمکرات) می‌خواهد اقتضا کند که نیروهای دیگر (کمیله، پیکار و...) غیر مسئول و به اصطلاح "جنگ طلب یا جنگ افروزند" بنا بر این مسئله بر سر "مسئول بودن و جنگ افروز بودن نیست" مسئله بر سر درکی است که هر نیرو از برقراری صلح و قطع جنگ اراعه می‌دهد و می‌داند که چنین درکی از آن ناشی می‌گردد. مسئله اینست که آیا ما به ماهیت نیروهای درگیر و آنچه درگیری بر سر آن بوجود آمده به شیوه‌های انقلابی "صلح" را جستجو می‌کنیم و عمل می‌نماییم و خود ما را با این آگاهی و شیوه برخورد می‌دهیم یا در پی سازش و تسلیم به قیمت فریب خوردن ما و وارونه جلوه دادن حقایق برای آنها، به گدایی "صلح" می‌رویم و پیشانی به درگاه

را در مخاطره قرار داده است به تلاش همه جانبه برای قطع فوری جنگ و خونریزی در کردستان دست زده و مصمم است با همکاری نیروهای حزبیخواه و صلح طلب خلق کرد، برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بیش از پیش کوشش کند. اگر بخوایم مفهوم جنملات فوق را از صورت شرمگینانه آن در آوریم و نظیر واقعی نهفته در آنرا بطور صریح بیان کنیم حمله فوق چنین می‌شود که جنبش مقاومت خلق کرد جنبش ضد امپریالیست میلیتاریست زحمتکش ایران را با خطرات جدی مواجه کرده و بنا بر این لازم است با تمام قوا به آن پایان داد و مانع شد کردستان که پایگاه ضد انقلاب شده است بصورت پایگاه دائم آن درآید!! اینست مفهوم واقعی نظر رهبری سازمان چریکهای فدائوسی خلق که همان تبلیغات ارتجاعی "حزب توده علیسه" جنبش مقاومت خلق کرد و کسور آن بصورت خجولانه است.

اینست چرخش فاطمانه این رهبری بسوی رهیرونیسم و رفرمیسم و غلطیدن در ورطه تسلیم و سازش خویش آفایان مارکسیستهای "اصولی" جواب دهند که چگونه در کار ویژه کردستان شماره ۳۰ تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۵۸ اظهار می‌کنند: "پایداری خلق کرد برابر نهاجم و حشبانه ارتزبخشی از پایداری همه خلفهای ایران در برابر امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن است" و "مبارزه و مقاومت در مقابل تهاجمات و حشبانه ارتزبخش در کردستان یعنی ضربه زدن به امپریالیسم و کمک به پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌های پنا خواسته ما و امروز این مبارزه و مقاومت را بعنوان خطری برای جنبش ضد امپریالیستی میلیتاریست زحمتکش و... قلمداد می‌کنند که باید هرچه زودتر به آن خاتمه داد؟ آیا حشر اینست که این منافع طبقاتی رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق است که در اثر ارج گیری و رشد جنبش مقاومت و مبارزه انقلابی خلق کرد دچار مخاطره شده است؟

بوروازی می‌سازیم. مسئله اینست که آیا ما بعنوان کمونیست‌ها می‌توانیم طبقه‌ای را که دست به جنگ می‌زند و سیاستش که جنگ ادامه آنست را برای خودها توضیح می‌دهیم و چگونگی بدست آوردن صلح واقعی را به آنها می‌آموزیم یا بعنوان لیبرال و تسلیم‌طلب بر همه اینها سرپوش می‌گذاریم و فریبنا دهیم "صلح طلبی" و "قطع جنگ برادرکنش" سر می‌دهیم نین می‌گوید "ما باید بتوانیم این مطلب را به خودها توضیح دهیم که شاخص جنبه سیاسی و اجتماعی جنگ "حسن نیت" افراد و دستجات از جمله آقای بنی‌صدر و محافل "صلح طلب" هیئت حاکمه پیکار کردستان، و حتی خودهای مردم نبوده، بلکه وضع طبقه‌ایست که جنگ می‌راند، سیاست این طبقه است که جنگ ادامه آن می‌باشد (وظایف پرولتاریا در انقلاب مله‌ی جلدی می‌باشد) تاکیدات از لنین (همچنین لنین در مقاله "حسن نیت کنگره کمپروتی شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان مهتر - بند "هر قدر که شما خواهان صلح باشید، هر قدر هم که همدردی شما نسبت به زحمتکشان و نمایندگان شما نسبت به صلح صادقانه باشد ۱۰۰۰ بار هم ناتوانید، زیرا جنگ را جز از راه بسط آن دانسته انقلاب از طریق دیگری نمی‌توان پایان داد" (یک جلدی ۱۰ صفحه ۱۷۸ تاکید از ماست)

بنا بر این می‌بینیم که بر خلاف رهبری سازمان فدائیان از نظر مارکسیسم - لنینیسم اولاً آقای باخانی جنگ را نه "حسن نیت" یا "حسن نیت" این یا آن فرد یا دستهای از افراد (محافل) بلکه وضع طبقه‌ای که جنگ می‌راند تعیین می‌کند و این جنگ هم ادامه سیاست آن طبقه است و ثانیاً برقراری صلح (واقعی) را نه "حسن نیت" (رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق) و نه تنهاها و خواهشهای آن از هیئت حاکمه بلکه تنها بسط دامنه انقلاب است که به ارمان می‌آورد. صحت این حکم داهیانه لنین را ما بطور زنده و روشنی در تجربه همین جنبش مقاومت خلق کرد در سال گذشته دیدیم. دیدیم که چگونه

وقتی جنبش مقاومت در سطح خودها گسترش یافت و ضربات بی‌دری بر پیکار نیروهای سرکوبگر رژیم وارد کردید و آنها را در آستانه شکست کامل قرار داد (بسط دامنه انقلاب) هیئت حاکمه مجبور به اعلام آتش‌بس و لزوم برقراری "صلح" گردید و دیدیم تنها در نتیجه این مقاومت و مبارزه بود که برای مدت مائین سرکوب هیئت حاکمه در کردستان از حرکت باز ایستاد. امروز نیز طبق احکام مارکسیسم - لنینیسم و تجربه مشخص جنبش مقاومت خلق کرد تنها با بسط دامنه جنبش (انقلاب) در کردستان و در سراسر ایران است که میتوان مائین جنگی هیئت حاکمه را متوقف و بالاخره نابود ساخت و صلح واقعی را برای خودها کسب نمود.

در این صورت دیگر جستجوهای رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق در هیئت حاکمه بدنیال جناح "محافل صلح طلب" و "حسن استقبال آن از گته‌ها" واقعاً اما این محافل و سر دادن نبردهای صلح طلبانه و نصیحت‌های "دلسوزانه" و "مسئولانه" آن به این محافل چیزی جز تسلیم طلبی و سازشکاری چیزی جز فریب خودها، چیزی جز ایورتونیس و رویوتونیس و سرغود آوردن در مقابل بورژوازی و دست کشیدن از مبارزه انقلابی نیست. برخورد های گوناگون سازمان چریکهای فدائی خلق به جنگی که اکنون در کردستان درگیر است جدا از سایر برخوردها و مواضع این سازمان در رابطه با مسائل دیگر کردستان و کلاً این مواضع جدا از شش حاکم بر این سازمان نیست

ما می‌گوئیم در شماره‌های بعد پیکار کردستان به بررسی سایر جوابات حرکت سازمان چریکهای فدائیان خلق (گذشته و حال) در رابطه با کردستان از جمله برخورد آن نسبت به هیئت نمایندگی خلق کرد و نیروهای سیاسی فعال در کردستان بپردازیم.

مبارزه دهقانان "سلیمان کندی" ...
 زندگی پرزنجشان تمام شده و
 بهتر از گذشته زندگی خواهند نمود و دیگر مجبور نخواهند بود در
 خانه و گاشانه خود آواره شوند. فکر می‌کردند که
 بالاخر آفتابه ظلم و ستم مالکان ده روزم شاه تمام
 شده و آنها می‌توانند صاحب زمین، آب و برق و
 وسایل کشاورزی باشند و بر روی زمین خود شکار کنند.
 این زحمتکشان در انتظار بر آورده شدن حقش
 خود بودند ولی تنها و تنها وده ویدهای رژیم
 جمهوری اسلام را می‌شنیدند - هنوز جنس
 بد دولت داشتند تا اینکه این رژیم به سندج حمله
 کرد، آنها را به خاک و خون کشید و توطئه علیه
 خلق کرد را گسترش داد - دولت حاکم به هر کسی
 که حتی می‌خواست "ضد انقلاب" می‌گفت و برای
 خلق کرد "تجزیه طلبی" را به آن علاقه نمود -
 وضع اقتصادی سلطنت آفند خراب می‌شد که زحمت
 کشان کرد نیز در شهرهای بزرگ و کوچک ایران
 دگرگاری پیدا نمی‌کردند - دهقانان فقیر و خوش
 نشینان دهات، دیگر آهی در ساقانداشته، بهر
 حال حکومت نه تنها نفع زحمتکشان کرد کاری انجام
 نمی‌داد بلکه با حمله بکردستان همه جا را بران می
 ساخت و با حاصره اقتصادی، بیشترین فشار را بدوش
 زحمتکشان از جمله دهقانان سند پد می‌انداخت
 باپروشهای وحشیانه دولت بکردستان مبارزات
 در کردستان اوج می‌گرفتند ستاردهای انقلاب ایران
 را گسترش میداد - رشد مبارزه در منطقه است بسیار
 رفتن آگاهی توده هایشند - دهقانان مبارز کسرد
 نیز در این مبارزات شرکت میکردند و با عناصر مبارز از
 جمله پیشمرگان تماس می‌گرفتند - به این ترتیب آنها نیز
 بتدریج به شاخه خود آگاه میشدند و بتدریج
 متوجه میشوند که این رژیم برای آنها کاری نخواهد
 کرد - آنها بگر ظلم و ستم مالکان در میاد دولت جمهوری
 ری اسلامی راتحمل نمی‌کردند - دهقانان "سلیمان
 کندی" جزو این دسته از زحمتکشان کردستان بودند

کعلبه ستم مالکان ده به مبارزه برخاستند. بیستم آنها در
 چه شرایط زندگی می‌کنند و چگونه علیه مالکان
 مبارزه می‌نمایند!

روستای سلیمان کندی در ۲۰ کیلومتری شهر
 سنقر است. در این آبادی ۱۰ خانوار خوشنشین و
 ۳۰ خانوار کشاورز و سحانواران باین زندگی می
 کنند. اکثریت جمعیت باخوشنشینان است که در
 فقر و بد بختی روزها را به تنهایی رسانند - زندگی
 دهقانان فقیر به سختی می‌گذرد - بدترین زمینها
 در اجاره این دهقانان است و بعضی از آنها حتی
 صاحب یکدرخت هم نیستند - سالهای گذشته
 خوشنشینان و حتی بعضی از کشاورزان کم زمین
 در تهران، رشتجان و سایر شهرها کار می‌کردند
 تا خانواده خود را از گرسنگی نجات می‌دادند و لسی
 در یکسال گذشته در این شهرها کار کم پیدا میشود
 و کارگری کار هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. باین علت
 خوشنشینان و دهقانان فقیر "سلیمان کندی" دیگر
 به شهرهای دور نمی‌روند و در اطراف میوه‌گان، سنقر و سایر
 خود آبادی دنبال کار میگردند - بعضی از آنها
 زحمتکشان ماهها سنگ می‌کارند و قبول خودشان حتی
 بانکیلو خوار و بیار در خانه شان پیدا نمیشود - در مقابل
 این زحمتکشان، اربابان زنگی خوشحالی دارند - طبق
 "اصلاحات ارضی" رژیم شاهان، زمینهای دیسی
 و آبی مرفوب در اختیار آنها قرار گرفته اند - اکنون
 در این زمینها درختان میوه، چنار، بید کاشته اند،
 این مالکان با رژیم شاه عهد بستیدند و با رژیم جمهوری
 ری اسلامی نیز همکاری ندارند و نسبت به جنبش
 مقاومت هم بی تفاوت اند - با این وجود به روستائیان
 ظلمهای زیادی کرد هاند و زحمتکشان "سلیمان کندی"
 کینه شدیدی نسبت به مالکان در دارند و شانسع
 خودشان را در تضاد با آنها می‌بینند -
 دیدیم که این روستائیان از انتشار مختلف
 هستند - بعضی کارگر بیگارند، بعضی زمین کمی

مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی جدا نیست

دارند و بعضی دهقانان میان حال هستند . هر کدام از این اقنارمنافع خاص دارند و نمی توانند بعنوان یک طبقه ، سیاست و برنامه خاص داشته باشند و به تنهایی قادر نیستند خود را از دست طبقه کارگر براهند . همین دلیل به سازمانهای سازماندهی می شوند . در این رابطه ، دهقانان سلیمان کندی در اوایل بهار ۱۳۵۹ با پیشروگان سازمان پیکار خواستند که در صدد زمین و بینه آنها را کماشکنند . پیشروگان سازمان با دعوت این روستائیان به آبادی رفتند . آنها در اولین برخورد دیدند که اکثر روستائیان خواهان صدد زمین و بینه مالکان هستند و در میان آنها خوش نشینان قاطعاً رخواهان یکجوری میباشند . پیشروگان روزی تصور به خود آمدن شورای روستائیان تاکید کردند . دهقانان خواستند که پیشروگان شورا را تشکیل بدهند و پس از اینکار شورا تشکیل شد . به نظر آنها اگر کارها به این ترتیب پیش می رفت ، در واقع شورا بصورت یک شورا برای سر هم بندی رسیده در صدد آنها به نقد برسد و آنان باید از روی نیاز واقعی به لزوم داشتن تشکل برخوردار شوند و آنها با کار سیاسی - تبلیغی در میان مردم آبادی این حرکت را ترویج خواهند نمود .

در همین روز دهقانان در مورد ترکیب شورا بحث کردند . بی زمینها شرکت کشاورزان را در شورا جایگزین نداشتند و معتقد بودند که کشاورزان قاطعیت نخواهند داشت و به مسایل خوش نشینها هم توجه لازم ندارند . کرد - در این صحبت ، دهقانان میانه حال و فقیر بیشتر بودند . سن و ثروت اندای شورا را هم جلسه دادند و گفتند که اعضای شورا ، چنین مشخصاً باید داشته باشند . به این ترتیب کشاورزان ترس و ترسول خود را نسبت به کارگران روستائیان دادند . پیشروگان پیکار به محافظه کاری کشاورزان اشاره کرده و تندروی خوش نشینان را هم نادرست ارزیابی کردند . آنها برای صدد رختان و زمینهای مالکان ، اتحاد تمام دهقانان را ضروری دانسته و روی آن تاکید کردند .

بعد از چند روز اهالی سلیمان کندی شورا ی ۷ نفری تشکیل دادند این ۷ نفر خوش نشین و کشاورز بود . پیشروگان این شورا را تائید کرد و آنان به پشتیبانی نمودند . آنها را این عقیده بودند که با وجود خوش نشینان در این شورا ، این تشکل ، سوای یک تشکل نودهای واقعی را بیده نخواهد داد . بعد از تشکیل این شورا ، کار صدد در - حتان و زمینها شروع شد . سیاست شورا نسبت به مالکان در امور بی بود . چرا ؟ گفتیم مالکان نه اعتراض نبودند و نه به روستائیان شتم زیاد می کردند . با این انتخاب ، میشد که اولاً مذهب این مالکان را عوض کرد . ثانیاً آنها را طرفدار ستوری با دولت نمی رفتند . در این رابطه پیشروگان با دو نفر از اربابان (علی خان و سعید خان) رنجیدند . نفر از زمینهای شورا ی آبادی حمله گذاشتند و در این حمله راجع به تقسیم درختها در زمینها صحبت نمودند . با سرگام ، سازمان اداره زمینها را از نظایف شورا دانستند . زیرا باین ترتیب اتحاد و یکپارگی روستائیان در مقابل اربابان و دولت محترم میشد و امکان مکزیز کردن زمینها بیشت میشد . این نظریه مورد قبول شورا قرار گرفت . در مورد تقسیم درختها از مالکان خواست شد که با روستائیان همکار می کنند در این رابطه اربابها پیشنهاد شد که به آنها در درختها را آنها بردارند و با هر یک چیزی از یک جا وار درخت داشته باشند مالکان حاضر بسمه پذیرش هیچیک از این دو پیشنهاد نشدند .

همه اهالی سلیمان کندی در میدان آبادی جمع شدند و به نتایج جلسه گوش دادند . آنها همگی تصمیم بودند و علیرغم مخالفت اربابها با ترو از دیار بینه حرکت کردند . آنها با اتحاد و یک پارچگی به پیشرو رسیدند . انگار به آنچه میدیدند باورند داشتند . با دقت به اطراف نگاه میکردند پیشرو ای که تپلا حق ندانستند در آن قدم بگذارند ، اکنون زیر پای آنها بود . روستائیان در این شادی سرور می خوانند و آوای سرود می رقیب "طنین پیروز می

روستا نیان را بلند و بلند تر کرد. لحنه ای فراموش نشدنی بود در میان این شور و شوق زحمتکشان بود که یکی از پیشمرگان سازمان برای آنها صحبت کرد. او گفت که دهقانان تنها با اتحاد و یکپارچگی توانستند به حق خود برسند و باید این همبستگی را عمیقتر کرد. روستائیان همگی حرف او را تصدیق کردند و به پیکار و یکپارچگی دادند متحد و پشتیبان یکدیگر باشند. این زحمتکشان تصمیم گرفتند که کمپنسانترین درخت همیشه را بریده و به مسجد آبادی هدیه دهند. با شکر خاصی مراسم بریدن درخت به پایان رسید. این درخت به نشانه وحدت اهالی "اتحاد" نام. گذاری شد و در میان شور و شادی مردم بیدان آن بادی بود. در این میدان قرار شد از فردای همان روز بریدن درختان همیشه شروع شود.

چند روزی بود که مردم همگی خوشحال و راضی مشغول کار در ریشه بودند و هنوز بخش عمده درختان باقی مانده بود که پیشمرگان حزب دمکرات تشکیلات سفر به دنبال شکایت اربابهای ده، به عقد جلوگیری از مصادره زمین و قطع درختان وارد ده شدند. آنسان حرکت اهالی "سلیمان کندی" را نادرست و خلاف موازین حزب دانستند و به مردم گفتند: "چون حال می خواهیم خود مختاری بگیریم به چنین حرکات غرقه انگیزانه نباید دست بزنیم. از طرف دیگر دولت خود شوق داده است که در دهات اصلاحات ارضی بکند ما باید کاری نکنیم که قانونی نباشد."

حزب می خواست مالکات و زحمتکشان را آتش دهد با این دلیل آنها را از مبارزه بازمی داشت و همچنین به آنها می گفت که دولت جمهوری اسلامی سرفروخته خواست زحمتکشان جواب خواهد داد؟! روستائیان با اعتقاد خود نشان دادند که این نظرات در تضاد با منافع آنها بود و ویرویی از این نظرات آنها را بسه بند دوباره مالکان و هیئت حاکمه ضد خلق خواهد کشاند. آنها قریباً زدند که قاطعانه برای

رسیدن به حقوق خود خواهند ایستاد و تکرار کردند که اگر حزب می خواهد از اربابهای ده پشتیبانی کند باید همه ما را به رگبار ببندد. پیشمرگان حزب دمکرات در برابر جو انقلابی ده و یکپارچگی روستائیان دیگر نتوانستند در آبادی باشند و بالاخره سه در میان اعتراض مردم روستای "سلیمان کندی" را تکرار کردند در این جریان ماهیت حزب دمکرات برای روستائیان ستم دیده مشخص شد. از آن روز بیحد هر روز تعداد زیادی از کارگران روی درختان کار کرد و میزد گرفتند مردم از حرکت انقلابی خود بی اندازه خوشحال بودند. با عشق و امید برای خودشان کار میکردند. نوبت مصادره زمینها رسید و با توافق قلی مصادره شروع شد. شورا برای هر ارباب به اندازه یک کتار و مرفه زمین کتار گذاشت و بقیه زمین را به مالکیت عمومی خوشنشینان و کشاورزان کم زمین در آورد. چند خانوار کتار و مزرعه زمین دهی داشتند با رضایت اسناد زمین هایشان را تحویل شورا دادند و اعلام کردند که از آن به بعد خوشنشین خواهند بود. این جریان شورش دیگری در بین اهالی بوجود آورد و آنها را بسه یگیری حرکت انقلابی خویش تشویق نمود.

مصادره زمین های مالکان ده عملی میشد که نیروهای سرکوبگر رژیم حاکم بار دیگر جنگ را به خلق کرده تحمیل نمودند و روستائیان ستم دیده را نیز درگیر این جنگ کردند. کردستان را لحاظ اقتصاد نیز محاصره شد. این محاصره باعث کمبود سوخت کرد. روستائیان از جمله اهالی "سلیمان کندی" دیگر برای تراکتور ها و سایر ماشینهای کشاورزی سوخت پیدا نکردند به این علت زمینها بوقوع شخم زده شد و پذیر به اندازه لازم در اختیار آنها قرار نگرفت بدین ترتیب رژیم پشتیبان مستضعفین راه امرار معاش روستای "سلیمان کندی" را تنگ نمود. در جریان پورش اهالی ده با وجود اینکه کار و مشقت

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

باهوشیاری در حفظ دستاوردهای مبارزاتی خویش
کوشیدند و از مبارزات مردم سقز نیز با کمال دلسوزی
پشتیبانی کردند.

آری! روستائیان ستم دیده "سلیمان کندی" این
جشن برای رسیدن به حقوق خود مبارزه کردند.
در حال حاضر، شورای ده پیگیرانه در انجام وظایف
خود می کوشند و حمتکشان "سلیمان کندی" با تمام قدرت
از این شورا پشتیبانی می کنند.

راهبران پیروز



پیروزی پیشمرگان پیکار ...

(ارتش ضد خلق و پاسداران ارتجاع) وحشیانه بنا
تمام قوا به کشتار و سرکوب خلق کرد برداختند خلق
کرد و پیشمرگان نهرمان آن برای حفظ دستاوردهای
مبارزاتی خویش یکپارچه بیا خواستند و مقاومت و
مبارزای حماسه‌ای آفریدند. سقز پناه و ...
جوانگان نبرد میان انقلاب و ضد انقلاب گردید و کویچه
و خیابان، دست و کوه خارمه شهر و روستا محسنه
این پیکار طبقاتی گردید.

هیئت حاکمه ضد خلقی با تمرکز قوای سرکوبگر خود
چند شهر را به اشغال خود درآورد و به خیال
خوبین ساکینگی خود را در آن مناطق برقرار نمود
و دم از فرار "ضد انقلابیون" و "خانه سسلیه"
کردستان زد. ولی وقتی مسلم است این ته یکسده
عناصر و گروههای مسلح بلکه خلق کرد است که بر کسب
خود مختاری و آزادی و استقلال ایران می جنگند،
دیگر بوی و مسخره بودن ادعاهای رژیم جمهوری
اسلامی امر پوشیدنی نیست. نشانه‌های بارز این
واقعیت، ادامه مبارزه و مقاومت مردم شهرهای اشغال
شده و ضربات جانانه پیشمرگان جنبش مقاومت
پیکار ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع در همان
مناطق است که جناب بنی صدر دم از "حاکمیت
دولت" در آن مناطق و "پاکسازی آنها" می زنند.
از جمله این ضربات کاری و پیروزیهای خلق کرد

حمله پیشمرگان سازمان پیکار به یک روی ارتش ضد
جاده سقز - پناه در تاریخ ۲۵ / ۲ / ۵۸ است. شرح جزئیات
باین ترتیب است که پیشمرگان سازمان چهار روز متوالی
در اطراف جاده در کمین نقشه بودند. در چهار
مین روز ساعت ۳ بعد از ظهر در نزدیکی روستای
"میرده" یک روی ارتشی را که به قصد کردنه خان
حرکت می کرد و حامل ۱۴ سرنشین بود محاصره کرد
و به آن ایست می دهند. سرنشینان رو که داری یک
دستگاه کانیر ۵۰ بود دست به مقابله می زنند ولی
در همان ابتدای امر می از آنها کشته شد و بقیه
زیر پای در نزدیکی سنگر میگیرند و به تیراندازی ادامه
می دهند. نبرد دلورانه پیشمرگان که آنها را
در محاصره داشتند به مدت چهار ساعت ادامه
بیدا می کند. بالاخره پس از اینکه ۹ نفر از دشمن
کشته میشوند و ۵ نفر بقیه تسلیم می شوند که ۳ نفر
از آنها زخمی شده بودند. سدرگیری با پیروزی
پیشمرگان خاتمه می یابد. در این جریان مقداری
نسبتا مهمی اسلحه و مهمات از جمله یک تیفه کالیبر
۵۰ و مقداری فشنگ آن، ۱۲ تیفه فشنگ ۳۰ و
مقداری زیادی فشنگ آن، مقداری زیادی نارنجک
یک تیفه مسلسل ام ۳ همراه با مقداری فشنگ و
وسایل دیگری بدست پیشمرگان افتاد.

این پیروزی موجب خوشحالی فراوان مردم روستا
های اطراف و همچنین مردم بوکان گردید و آنها
شده ا از آن استقبال کرده اند.

در کمپ این پیروزی که در نتیجه
فداکاری و از جانگذشتن پیشمرگان بدست آمده
پیشمرگ نهرمان عطا طاطائی با عشق بیگران به
آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و با فکر پیروزی
نهایی آنان مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت
و به شهادت رسید. علاوه یک پیشمرگ دیگر مورد
اصابت گلوله کالیبر ۵۰ قرار گرفت و دستش زخمی
گردید.

بعد از این پیروزی مزدوران ضد خلق که ضربه
جانانمای دریاقت کرده به خشم آمده بودند به



خلق کرد شهیدای بسیاری تقدیم انقلاب دیکرا -
تیک - ضد امپریالیستی خلفبای ایران نموده است -
شش شهید "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"
نیز در زمره این شهیدان اند . ما با کرامت داشت همه
شهیدای راه استقلال و آزادی ایران برای بزرگداشت
یاد ۶ شهید سازمان در کردستان قهرمان بگوئیم -
چکی از زندگی و مبارزه آنها را در پیکار کردستان
درج میکنم .
یادشان گرامی و راهشان باید ارباد !



پیشمرگه شهید عبدالکبیر شینسی

رفیق شهید در سال ۱۳۴۴ در شهر بانه متولد
شد و دوران دبیرستان را تا کلاس ادر هفتم
شهر گذراند و سپس به شهرستان مخابرات تهران
دبیلیم گرفت و به استخدام شرکت مخابرات درآمد
او اگر چه از خانواده مرنمی بود اما در تهران -
تحصیلی کار می کرد و با این طریق از نزد پلیمسا
در درویش زحمتکشان آشنا شد . وی در زندگس
مبارزاتیش ابتدا با حزب دمکرات همکاری می کرد
اما بعداً مشی چریکی را پذیرفت و در جسرپان
قیام برینکوه بیمن ماه همراه مردم قهرمان تهران
در تصرف ساواک سلطنت آباد ، یادگان عشرت آباد
و کلاتری ۶ شرکت جست . در ۲۸ مرداد سال
قبل بهنگام پیشرو حشبانه رژیم جمهوری اسلامی
ایران جزو اولین کسانی بود که از تهران بسه
کردستان رفت و در سازماندهی تظاهرات مردم
ساز سنندج علیه رژیم شرکت نمود . وی همچنین
مدتی در کوههای اطراف بانه در جنگ مقاومت
به مبارزه پرداخت . آشنایش بیشتر رفیق یا زندگی
کارگران و زحمتکشان او را با انحراف آلمنی چریکی
آشنا ساخت بهمین دلیل در تابستان ۵۸ با
حوزه سنندج سازمان ارتباط برقرار نمود ، صداقت
انقلابی ، شایستگی ، کارایی و ... رفیق سبب
شد از سطح یک هوادار به کاندید عضو ارتقاء
یابد .

به روستاهای اطراف محل درگیری هجوم برد و
و بعد از اذیت و آزار مردم روستاها و تهدید آنها
به قتل ، عدای را بدون دلیل دستگیر می کنند -
این بیان پستی ورنالت و همچنین ضعف نیروهای
ضد خلق و ارتجاعی است که برای فرونشاندن حشم
خود و مانعیت از حمایت بید ریخ بودهای زحمتکش
از پیشمرگان قهرمان ، وحشیانه به مردم بید ناسع
حمله برد و به اذیت و آزار آنها و از بین بردن -
خانه و کاشانه آنها می بردازند . این اعمال ضد
خلق ثابت می کند که هیئت حاکمه جمهوری اسلامی
و ارتش و پاسداران آن هیچگونه پایگاهی در میان
خلق کرد ندارند و "حمایت" آنها از "مستضعفین"
چیزی جز دروغ و عوامفریبی نیست .
خلق کرد همانگونه که تا کنون نشان داده است
تا کسب خود مختاری در چارچوب ایران مستقل و
دمکراتیک به مبارزه انقلاب خویش ادامه خواهد داد
و فرزندان پیشمرگه حمید را در دامان بر مهر خویش
همچنان حفظ خواهد نمود . زیرا آنها بشارت -
د هنده بر آورده شدن حقوق حقه و آرمانهای مقدس
هستند .
بیوز ساد جنبش مقاومت خلق کرد !



صد امت انقلابی، هشجاری و جسارت رفیق
تود معا را بشدت جذب می کرد چندی پیش
هنگامی که مرد خمپور سندیج به حرکت ستون ارتش
در دروازه شهر اجتماع کرده بودند، کاک کریم
ضمن سخنرانی برای آنها گفت "ما تا آخرین قطره
خونمان خواهیم جنگید و از خلق دلاور کرد دفاع
خواهیم کرد" به حق که به گفتار خود شهادت ارمانده
خاطره کاک کریم همچون دیگر شهروندان شهید
زنده است و در یاد خلق کرد خواهد ماند. یادش
را گرامی می داریم و راهش را با هنم استوار ادامه
می دهیم.
یادش جاودان باد!



بیشترگ شهید نجم الدین شیخی

رفیق نجم الدین در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده
فقیر در روستای "مولان آباد" دیده به جهان گشود
او بعد از پایان دوره ابتدائی برای ادامه تحصیلات
راهی شهر سقز شد. او به تدریج در برخورد با
حقایق و واقعیات جامعه و مطالعه بیشتر به ماهیت
 رژیم وابسته شاه پی برد و در راه مبارزه قدم گذاشت.
در جریان مبارزات عظیم خلقهای ایران در سالهای
۵۶ - ۵۷ شخصیت انقلابی رفیق شکوفه شد و فعالیت
در مبارزات شرکت جست. بعد از قیام ۲۲ بهمن
رفیق بعنوان یکی از اعضای فعال جمعیت طرفداران
زحمتکشان سقز به ایفای وظایف انقلابی خود ادامه
داد و همین بعنوان یکی از عناصر فعال اتحادیه
دهقانی منطقه سقز در مبارزات دهقانی منطقه
تپه کو" و "تازه آباد" و باقمه نقش به سزائی
بهمراه گرفتار و در جریان مقاومتها مردم سقز
در یورش اول شجاعانه جنگید. در ادامه مبارزه اش
او شغل مملی را انتخاب کرد و به روستای "خاپو -

ر ده" رفت و شد پدا مورد محبت و حفاقت روستائیان
قرار گرفت. او که در یورش اول به صف هواداران سازمان
پیکار پیوسته بود در یورش اخیر بعنوان پیشمرگه
فعالانه در جنبش مقاومت شرکت جست و بالاخره در یک
ماه مهویت شبانه در ۱۶ اردیبهشت در جریان تعداد ف
ماشین سازمان با ماشین سازمان چریکهای فدائیس
خلق که مجبور بودند در شب با چراغ خاموش حرکت
کنند، به شهادت رسید.
گرامس یاد یادش!



پیکارگر شهید لیلا اهلرادی

رفیق لیلا اهلرادی سندیج و دانش آموز سال آخر
 دبیرستان بود. او مبارزی فعال و پرشور بود
که صادقانه در راه پیروزی خلق کرد و همه خلقهای
ایران قدم گذاشت او در جریان شکل گیری "بنکچه"
در سقز بعنوان عضو فعال بنک "تازه آباد" در
راه بالا بردن آگاهی و تشکل مردم شهر به فعالیت
پرداخت و در جریان یورش ضد خلقی اخیر به
صف هواداران سازمان پیکار پیوسته او که
بعد از اشغال شهر توسط مزدوران ارتش پاسداری
برای آذانه فعالینهای انقلابی در شهر مانده بود
در تظاهراتی که از طرف مردم علیه سرکوبگران ضد
خلق برپا شده بود دستگیر گردید. سرهنگ صدی
فرمانده مزدور و جهانگشایان سندیج در بازجویی
بی از او به توهین به آرمانها و اعتقادات او پرداخت
رفیق که زندگیش را در راه آرمانها پیش گذاشته بود
در مقابل گستاخی صدی جلا جیسورانه سیاسی
محکم به گوش این جلا کتف زد. روز بعد او با
خردای (جلادان او را به جوش اندام سپردند و
خون پاکش را بر زمین دلاور پور سندیج جباری
ساختند. پرشکوه یاد خاطرهای!

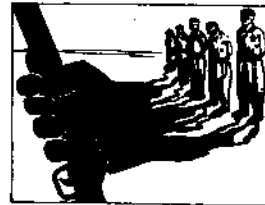
کورد زندوه

کس نه لی کورد مردوه



پیشمرگ شهید حسن (امیر) نقیصر

رفیق حسن پرسنل انقلابی ارتش درجه دار کادر بود - او در بر وجود خدمت من کرد - در دوران - مبارزه علیه رژیم شاه تحت تاثیر مبارزات مردم قسراً گرفت و خواهان خدمت به آنها و توار دادن نیروی خود در راه نجات آنها گردید - به همین دلیل بعد از سرنگونی رژیم شاه با خوشحالی تکریم کرد استقرار رژیم جمهوری اسلامی مقدمه و عامل رسیدن توده های زحمتکش به خواسته های شان خواهد بود اما مملکت رژیم جدید او را که شدیداً به زحمتکشان عشق می ورزید متوجه ساخت که تصویرش نادرست بوده است - باین جهت پیوند فکری خود را از رژیم برید و در جستجوی راه واقعی خدمت به زحمتکشان با هواداران سازمان پیکار در بر وجود آشنا شد و با آنها تماس برقرار نمود - در ایستادن جریان او از تفکر مذهبی نیز برید و مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان تنها ایدئولوژی واقعاً انقلابی پذیرفت و در تماس با هواداران سازمان به فعالی انقلابی مشغول شد، ولی بعد از مدتی فعالیتهايش برای فرماندهان مزدور آشکار گردید در این وضع او از ارتش فرار نمود و برای ادامه مبارزه به کردستان آمد و به سازمان پیوست - او در اینجا نیز فعالیتهايش به مبارزه انقلابی خود ادامه داد و بالاخره در حمله به ستون ارتش ضد خلقی روز ۱۷ خرداد بین راه کامپاران - سنج زخمی گردید و بعداً ناجوانمردانه توسط آنان در همان محلی درگیری اعدام گردید - خاطره اش جاودان باد!



پیشمرگ شهید محمود ستایش

شهید محمود اهل سنندج بود و چون سایر جوانان انقلابی سنندج به مبارزه در راه برآوردن - خواسته های انقلابی خلق کرد و پیشبرد انقلاب دیکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران روی آورد - او در بیرون این راه به صفوف هواداران - سازمان پیکار حوزه سنندج پیوست و در اوایل امسال بعنوان پیشمرگ زندگی خویش را تماماً در راه مبارزه و برآوردن آرمانهای زحمتکشان قرار داد - او در جریان مقاومت قهرمانانه ۲۵ روز سنندج نما - لانه شرکت جست و با مزدوران جنگید و بالاخره در حمله به ستون ارتش ضد خلقی روز ۱۷ خرداد بین راه کامپاران - سنندج بعد از چند ساعت رژیم دلاورانه با مزدوران به شهادت رسید و نهال جنبش مقاومت خلق کرد و انقلاب ایران را بارورتر ساخت - درود به روان پاکش!



پیشمرگ شهید عطا طاطائی

پیشمرگ شهید عطا طاطائی بتاريخ ۱۳۴۰ در يك خانواده متوسط در شهر سنقر بدنيا آمد - در مبارزات یرشکوه ۵۶-۵۷ علیه رژیم مزدور شاه فعالانه شرکت کرد - بعد از قیام تاریخی ۲۲ بهمن به مبارزه خویش ادامه داد و در مقابل یورش ارتش ضد خلقی و یاسد اران ارتجاع از طریق فعالیتهايش افشاگرانه و آگاهگرانه در میان توده ها در جنبش مقاومت خلق کرد سهم گردید - او در جریان - همین یورش به صفوف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست و مصطفی از گذشته راه مبارزاتی خود را ادامه داد - او با عشق به آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در حالیکه در سال آخر دبیرستان بود ، مدرسه را رها کرد و به عنوان يك پیشمرگ اسلحه بدست گرفت و با تمام وجود در خدمت آنان قرار گرفت - در جریان یورش اخیر

**رفقای هوادار!
دوستان مبارز!**

**کمکهای مالی خود را از هر طریق
که عیناً بدست ما برسانید.**

تفرقه و جدایی در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد -
تفرقه و جدایی در صفوف جنبش مقاومت آنطور که
بعضی از نیروها امروز چنین عمل می کنند و عملاً به
هدنی که رژیم همواره دنبال کرده یعنی ایجاد تفرقه
در میان خلق کرد، خدمت می کنند. در آخر
مردم با فرستادن درود به روان پاک شهید عطا
کوردستان را ترک کردند
خاطره اش گرامی باد!

او آگاهتر و استوارتر از گذشته برای دفاع از دستا-
ورد های خلق کرد، فعالانه در جنبش مقاومت شرکت
جست و بالاخره در جریان حمله پیشمرگان سازمان
سازمان در ۲۵ خرداد در جاده سقر - باسه
در اطراف روستای "میرمه" به یک خود رو ارتشی
خود خلق که به پیروزی پیشمرگان انجامید، دلاورانه
به شهادت رسید. روز بعد مردم بوکان با تانکر
نراوان و در حالیکه باران می بارید با شکر و
نراوان جنازه او را از مسجد بازار تا گورستان شهر
بر روی دوش تشییع کردند و در آنجا به خاک سپردند
در گورستان یکی از پیشمرگان سازمان بعد از گرامی
میداشت خاطره او به صحبت پیرامون اوضاع کردستان
پرداخت و یاد آور شد که خلق کرد تنها با ادله
مقاومت و مبارزه است که می تواند دشمن را به
عقب نشینی وادارد و قطع جنگ را به او تحمیل
کند و نه با دست کشیدن از مبارزه و مقاومت و ایجاد



جاودان باد خاطره شهدای بخون خفته خلق کرد